

# سند راهبردی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان

••• ویرایش دوم •••



## فهرست

۴

### مقدمه

۸

### بخش اول

مبانی فکری و تاریخیچه تشکیلات

۱۳

نظام سازمانی و رهبری

۱۶

### بخش دوم

تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی کشور و ملل تحت ستم

۲۳

شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها

۳۰

### بخش سوم

فدرالیسم به مثابه یک راهکار

۳۲

ساختار سیاسی جمهوری فدرال ایران

۳۴

حکومت‌های ایالتی

۳۶

دوران گذر از رژیم جمهوری اسلامی

## بخش چهارم

۴۰	ارزش‌ها و موازین
۴۱	سکولاریسم
۴۲	زبان
۴۴	جغرافیای ملی
۴۵	پرچم
۴۶	دین و مذهب
۴۷	فرهنگ و هویت ملی
۴۹	اقتصاد
۵۴	تفکیک و استقلال قوا
۵۵	توسعه پایدار و محیط زیست
۵۸	عدالت اجتماعی
۵۹	حقوق اقلیت‌ها، فرد و جامعه
۶۲	حقوق زنان و کودکان
۶۴	حقوق صنفی و سندیکاها
۶۵	امنیت
۶۶	دمکراسی تکثرگرا و مشارکتی
۶۸	آموزش
۶۹	آزادی گردش اطلاعات و رسانه‌ها
۷۰	اقلیت‌های جنسی
۷۱	حقوق حیوانات

## مقدمه

اگرچه انسان در طول تاریخ در آرزوی رسیدن به آزادی و عدالت در پی احیای کرامت انسانی خویشتن بوده است؛ اما تقلای بشر در این راه با چنگ انداختن به عقاید و اندیشه‌های مختلف برای رسیدن به کرامت انسانی زمانی به نقطه اوج خود رسید که انسان مفهوم عقلانیت را با آن گره زد. انسان دریافت که آزادی و عدالت، زمانی که در نقطه تلاقی راسیونالیته به هم می‌رسند؛ سعادت را در جامعه بشری به ارمغان می‌آورند. تمدن امروزی بشری، انسان را آن گونه که هست با تمامی تفاوت‌ها از جمله نژاد، عقیده، دین، مذهب، ملیت، زبان و جنسیت بدون آنکه از هیچ صافی اندیشه دگمی بگذرانند پذیرفت و با رجوع به عقل سلیم خود ایده برابری انسان‌ها در برابر حقوق و قانون را مطرح کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، به‌عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ تاریخ بشر در حوزه کرامت انسانی محسوب می‌شود. این سند بین‌المللی که پس از دو جنگ جهانی و تجربه تلخ آن دوران تدوین شد، بر حقوق اساسی و آزادی‌های انسانی برای تمامی افراد تأکید کرده و بر اساس اصل برابری حقوقی نوشته شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر آغازی برای تبیین جامع تمامی جوانب حقوق بشر بوده و تبدیل به یک مرجع برای آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان در تمام نقاط جهان شده است.

امروزه، علی‌رغم گام‌های بزرگ، تحقق کرامت انسانی همچنان با چالش روبرو است و وجدان‌های بیدار در تمام جهان به دنبال راهکارهایی برای مقابله با معضلاتی چون تبعیض، نابرابری، خشونت و تجاوز به حقوق انسانی افراد در جوامع مختلف هستند. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهایی که متأسفانه ذهنیت حاکم بر آن در نقطه مقابل ارزش‌های بشر امروزی قرار گرفته، مردمان ساکن این کشور را با چالش‌های بزرگی

همچون انواع و اقسام تبعیض‌ها علیه اقشار، طبقات، مذاهب و صنف‌های مختلف جامعه، تبعیض و استعمار داخلی علیه ملت‌های تحت ستم، عدم حاکمیت قانون و نابرابری افراد در برابر حاکمان، مظالم حکومت ارتجاعی، فاشیستی و توتالیتر روبرو ساخته است

ما به‌عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان با رویکردی انسان‌گرایانه و عقلانی، با اتکاء به دستاوردهای تمدن نوین بشری و اعتقاد راسخ به اصل خشونت‌پرهیزی در پی تحقق مفهوم گسترده و بنیانی کرامت انسانی برای ملت تورک آذربایجان جنوبی و سایر مناطق ایران و همچنین تمام ملل تحت ستم و مردمان ایران هستیم. از دیدگاه ما حکومت تنها و تنها مکانیسم و ساختاری برای انسان است تا با اتکاء به قوانین قائم بر عقل بشری برای بهبود رفاه جامعه، حمایت از حقوق اساسی آن و خدمت به اصل عدالت و برابری همه شهروندان بدون استثنا اقدام کند. به‌طور کلی حکومت ابزاری برای حفظ حقوق و آزادی‌های افراد و حفظ نظم اجتماعی است. حکومت‌های ایدئولوژیک که انسان و شهروندان را در درجه‌چندم اولویت‌ها قرار می‌دهند؛ یک‌به‌یک به زباله‌دان تاریخ رفته و بشر امروزی با آگاه شدن بیش‌ازپیش به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و تبدیل شدن از توده و امت به فرد و شهروند، به‌سوی ساختار حکومتی مبتنی بر حقوق شهروندی، محدود و موظف به حفاظت از آزادی‌هایش قدم برمی‌دارد. برای خارج شدن از دور باطل جنگ ایدئولوژی‌های فرابشری، اتوپسایی و دگم با یکدیگر، معتقد به مینا قراردادن آزادی‌های فردی و اجتماعی و تقویت جامعه مدنی، حاکمیت قانون و حقوق مبتنی بر عقل بشری هستیم. به عبارتی دیگر، حکومت باید عاری از مذهب، دین و هرگونه ایدئولوژی غیرمذهبی جزماندیش غیر قابل انتقاد و غیر قابل انعطاف و غیر قابل بحث و تغییر باشد. به این ترتیب، فاصله و زاویه حکومت با تمامی شهروندان با تمام عقاید و ادیان و مذاهب، زبان‌ها و فرهنگ‌ها یکسان خواهد بود و هیچ گروهی مادامی که در چارچوب حقوق و قوانین حرکت نماید؛ صرف فعالیت‌ها و دیدگاه‌هایش طرد و یا آزادی‌هایش محدود نخواهد شد. دستگاه عدلیه مبتنی بر عقل و تجربیات بشر مدرن و نه بر پایه قوانین دینی، سنتی و یا ایدئولوژی‌های دگم، باید بر اساس اصل تفکیک قوا کاملاً مستقل باشد، تا به سیستمی برای حفاظت از حقوق و آزادی‌های شهروندان تبدیل گردد.

حقوق بشر و تأکید بر حق مردم برای زندگی در آزادی و عدالت، حاکمیت قانون و استقلال و بی‌طرفی سیستم عدلیه، مشارکت دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت به‌وسیله انتخابات عادلانه و آزاد، آزادی فعالیت احزاب و نهادهای غیردولتی در چارچوب اصل جامعه مدنی قدرتمند، حفاظت از محیط‌زیست با تأکید بر حفاظت از منابع طبیعی، مبارزه با تغییرات اقلیمی و اقتصاد سبز، سیستم آموزش مبتنی بر علوم روز و عاری از دیدگاه‌های ایدئولوژیک و یا مذهبی و خدمات درمانی باکیفیت و عادلانه و توسعه اقتصادی، کاهش نابرابری طبقات اجتماعی و اقتصاد بازار آزاد به معنای واقعی و مبتنی

بر نهادهای فراگیر و متکی بر فضای دموکراتیک و شفاف، سیاست خارجی مبتنی بر تعامل و منافع ملی، اصول همکاری‌های بین‌المللی و صلح‌جویانه و در سیاست داخلی پیروی از خط‌مشی بی‌طرفی حکومت در قبال تفاوت‌های فردی از جمله گرایش‌های مذهبی، گرایش‌های جنسی و جنسیت، طبقه اجتماعی و صنفی، زبان و گویش و لهجه، گرایش‌های سیاسی و عقیدتی، طرز پوشش، اتنیک، نژاد و فرهنگ و طرز زندگی و تفاوت‌های اجتماعی و خانوادگی، اصول کلی و مهمی هستند که می‌تواند فرهنگ مدارا در میان اقشار و جوامع مختلف ایران را گسترش داده و نقش مهمی در مبارزه ماراتن‌وار با تبعیض‌های سیستماتیک چندین دهه گذشته و فراهم کردن بستری برای هم‌زیستی مردمان کشور با تنوع فرهنگی و اجتماعی ایفا کند.

از نهضت مشروطه و پیش از آن، در مواجهه انسان این سرزمین با مظاهر و جلوه‌های تمدن غرب، ملت تورک آذربایجان جنوبی و سایر تورک‌تباران مناطق مختلف ایران و دیگر ملل و جوامع تحت ستم در ایران برای رسیدن به سعادت، ترقی و رفاه، آزادی، عدالت و کرامت انسانی راه پرفراز و نشیبی را طی کرده است که در بسیاری از برهه‌های تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه، آذربایجان سردمدار و پیش‌قراول ملل ایران بوده است. ملت تورک آذربایجان همان‌گونه که برای محدود کردن قدرت مطلقه شاه همراه با سایر ملل ایران در انقلاب مشروطه نقشی برجسته از خود برجای گذاشته است، به‌موازات آن در طول تاریخ بر حق حاکمیت بر مقدرات خویش نیز پای فشرده است. در مشروطه اصرار مجاهدین آذربایجان برای نگارش متمم قانون اساسی و ایجاد انجمن‌های ایالتی و ولایتی و در جنبش شیخ محمد خیابانی آزادی‌خواهی و خودمختاری را برای آذربایجان به ارمغان می‌آورد، اما زمانی که رژیم پهلوی بر سر قدرت نشاند شد، با نهضت دموکرات‌های آذربایجان به رهبری میر جعفر پیشه‌وری بر خودمختاری و حق تعیین سرنوشت ملی آذربایجان تأکید بیشتری شد. آزادی‌خواهان آذربایجان چه در اواخر دوران حکومت تورکان قاجار که هنوز فاشیسم بر کشور سایه نینداخته بود، چه در دوران پهلوی اول و دوم و چه در دوران تاریک جمهوری اسلامی از دو اصل مبارزه برای دموکراسی و مبارزه برای حاکمیت بر مقدرات خویش دست نکشیدند. حال پس از نزدیک به نیم‌قرن حاکمیت توتالیتر و استعماری جمهوری اسلامی بر ملل تحت ستم در ایران، حرکت ملی آذربایجان پرچم مبارزات مجاهدین آذربایجان در مشروطه، دموکرات‌های جنبش شیخ محمد خیابانی و حکومت ملی و البته مبارزین جنبش خلق مسلمان سال ۵۸ را برافراشته نگه داشته و این سیر کماکان ادامه دارد.

آذربایجان در تاریخ معاصر همواره برای تمام ایران کثیرالملمه به ترتیب دو اصل دموکراسی و حاکمیت بر مقدرات خویش را آرزو کرده است

## بخش اول



## مبانی فکری، تاریخچه و ساختار تشکیلات

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در ۱۹ مارس ۲۰۰۶ در آذربایجان جنوبی اعلام موجودیت کرده و بیانیه اعلام موجودیت خود را با تاکید بر ضرورت تشکل‌گرایی در قالب حرکت ملی آذربایجان برای سازماندهی مبارزات ملی و مدنی در آذربایجان جنوبی را تشریح کرد. موسسین تشکیلات در داخل کشور با رایزنی و مشورت با همفکران و پیشکسوتان و صاحب‌نظران و فعالین شناخته شده اندیشه ایجاد یک تشکیلات منظم و منسجم را مطرح کردند. پیش از تأسیس تشکیلات مقاومت ملی، فعالین سیاسی آذربایجان جنوبی تقریباً از یک دهه قبل اقدام به تأسیس سازمان‌های سیاسی کرده و ضرورت فعالیت سیاسی سازماندهی شده، منسجم و دینامیک در حرکت ملی آذربایجان جنوبی احساس شده بود. لیکن با مرور زمان و نیازهای متعدد حرکت ملی آذربایجان ناشی از شرایط کشور و منطقه ایجاد تشکیلاتی با شاخص‌های متفاوت از سایر سازمان‌های سیاسی در بین هیئت موسسین تبیین و در نهایت عملی شد. پیش‌تر در اوایل دهه ۹۰ میلادی حرکت ملی آذربایجان بنا به خصوصیات پرنرنگ فرهنگی حرکت ملی، رویه‌ای مطالباتی و در فعالیتهایی مدنی و فرهنگی در چارچوب قوانین کشور اتخاذ کرده بود. با این حال رویکرد تمامیت‌خواهانه رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با فعالیت‌های جامعه مدنی آذربایجان جنوبی و اقدام به سرکوب فعالین ملی و مدنی آذربایجان به مرور زمان موجب تغییر رویکرد مطالبه‌گرایانه و به اصطلاح کلی اصلاح‌گرایانه حرکت به سوی مبارزات سیاسی گردید. اگرچه حرکت ملی آذربایجان از طیف‌های فکری و عقیدتی متنوعی برخوردار بوده و همین امر نیز از نقاط قوت پلورالیستی این جنبش خبر می‌دهد؛ اما رویکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اپوزیسیون در آن برهه نسبت به فعالین و مطالباتشان و به‌طور کلی نسبت به آذربایجان جرقه اندیشه‌ای در بین فعالین حرکت ملی



آذربایجان زد که ضرورت اکت سیاسی و مبارزه حرفه‌ای برای تحقق حقوق ملت تورک آذربایجان جنوبی را هر چه بیش‌تر نمایان نمود. تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان ضمن احساس ضرورت کار تشکیلاتی و حرفه‌ای و اکت سیاسی چنانچه در مرامنامه آن نیز ذکر شده است، خود را جزئی از حرکت ملی آذربایجان تعریف کرده و بر ضرورت مبارزه همه‌جانبه فرهنگی و سیاسی تأکید نموده است

محدودیت‌ها و سرکوب‌های متعدد دستگاه‌های امنیتی رژیم علیه فعالین ملی و فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و مدنی آن‌ها در نمونه رویکرد رژیم به کنگره‌های میلیونی قلعه بابک نمود بارز یافت. رویکرد بایکوت و حذف از سوی جریان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و همچنین جریان اصلاح‌طلبی در داخل در وقایع کوی دانشگاه تبریز نیز فعالین ملی آذربایجان را به فکر فروبرده و در نهایت خوانش جدیدی نسبت به شرایط ایران و منطقه را در بین ایشان پدید آورد که به دنبال آن ایده تجدیدنظر در روش‌های فعالیت و مبارزه برای تحقق حقوق ملی آذربایجان در قالب اصول جهان‌شمول حقوق بشر در آذربایجان را بسط داد

مؤسسين تشکيلات مقاومت ملی آذربایجان با تحلیل شرایط جمهوری اسلامی ایران و ویژگی‌های تمامیت‌خواهانه و توتالیتیر آن در آن دوران و باتوجه‌به تجربیاتی که در دهه ۹۰ میلادی از ترورهای سیاسی از جمله پروفیسور محمدتقی زهنابی و فضای خفقان کشور داشتند، برای یک مبارزه سیاسی طولانی‌مدت و ماراتن‌وار شیوه مبارزه مخفی را برای کاهش حرفه‌های امنیتی و همچنین کاهش ضربه‌پذیری تشکیلات انتخاب و تبیین کردند. این شیوه مبارزه در فضای حرکت ملی آذربایجان که بیشتر بر مبنای مبارزات شفاف فرهنگی و غیرسیستماتیک بود، غیر متعارف به‌نظر می‌رسید. با این حال، تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان نزدیک به دو دهه همچنان فعالیت خود را ادامه داده و چه در داخل و چه در خارج با تحلیل شرایط روز به مبارزات خود در قالب دو اصل اساسی «وطن آذربایجان» و «ملیت تورک» ادامه می‌دهد

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان - دیرنیش، در بیانیه اعلام موجودیت خود پس از اشاره به مبارزات ملی برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت ملی و باتوجه‌به تجزیه و تحلیل شرایط منطقه و جهان و سرکوب‌های رژیم، از همان ابتدای امر بر اصول مدرنیته و علم‌گرایی در مبارزات ملی تأکید کرده و عبور به فاز مبارزه سیاسی، فعالیت سیستماتیک، منسجم و منظم را که در قالب کار حزبی و تشکیلاتی میسر است؛ ناگزیر ارزیابی کرده است

«در چنین شرایط حساسی از تاریخ، گام گذاردن به عرصه مبارزات ملی بدون استفاده از زیرساخت‌های مدرن و علمی میسر نخواهد بود و این مهم نیز مشروط به ایجاد احزاب و تشکیلات‌های منظم و منسجم جهت تثویزیه کردن اندیشه‌های ملی‌گرایانه و سازماندهی مبارزات مردمی می‌باشد.»

مؤسسين تشکيلات مقاومت ملي آذربايجان آن گونه که در بيانیه اعلام موجودیت عنوان کرده‌اند، در آن برهه از تاریخ حرکت ملي وجود «احزاب و تشکيلات های منظم و منسجم» را امری ضروری به منظور «کانالیزه نمودن مبارزات ملي» دانسته و معتقد بودند که در صورت عدم وجود احزاب و تشکيل های منظم و منسجم «راه سرکوب و انحراف مبارزات» برای حاکمیت بازمی‌ماند

هیئت مؤسسين تشکيلات مقاومت ملي آذربايجان در سال ۲۰۰۶ در شش بند به طور مختصر اهداف و استراتژی و تاکتیک تشکيلات را ذکر کرده‌اند. با بررسی این بندها می‌توان «مبارزه برای احقاق حق تعیین سرنوشت ملي» و «مبارزه برای محافظت از تمامیت ارضی آذربايجان جنوبی» را در کاتگوری اهداف تشکيلات قرار داد. مؤسسين تشکيلات خود را جزئی از حرکت ملي تعريف کرده‌اند و بدین ترتیب پایبندی به ارزش های ملي این جنبش از سوی سازمان صراحتاً ذکر گردیده است. «مبارزه مخفی و نیمه‌علنی»، «پایبندی به اصول مبارزه دموکراتیک و مسالمت‌آمیز»، به عنوان مبانی اصلی استراتژی این سازمان سیاسی عنوان شده است و در تعريف و توضیح استراتژی عمومی سازمان، «جذب، پرورش و کادرسازی از نیروهای جوان در داخل آذربايجان جنوبی»، «ایجاد هماهنگی دینامیکی در لایه‌های مختلف جامعه جهت مشارکت در مقاومت ملي و مبارزه فراگیر» را بر پایه اصل «قدرت‌گیری از پایین به بالا» تئوریزه کرده است. مثنی مبارزه مخفی هم به عنوان استراتژی و هم به عنوان تاکتیک مبارزه می‌تواند در نظر گرفته شود که با در نظر گرفتن تغییر شرایط منطقه و کشور می‌تواند تغییر یابد. اما تاکتیک‌های سازمان در رسیدن به اهداف خود با توجه به استراتژی خشونت‌پرهیز و مبارزه برای رسیدن به یک جنبش اجتماعی فراگیر «انتشار جزوات تحلیلی، آموزشی، راهبردی و نشریات خبری» را روشی برای ارتباط با هواداران و جامعه عنوان کرده است

مرامنامه و یا مبانی فکری تشکيلات یک تاریخچه از دوران قاجار، - زمانی که تورک‌های آذربايجان مستقیماً با جهان غرب مواجه شده و مدرنیسم را درک می‌کنند و یا برای فهم و درک کردن آن تلاش می‌کنند - تا دوره کنونی و همچنین حاوی تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی و در نهایت «حق دفاع مشروع» و اهمیت احقاق «حق تعیین سرنوشت ملي» برای ملت تورک آذربايجان جنوبی است. با مطالعه مبانی فکری تشکيلات دیرنیش درمی‌یابیم که از دیدگاه هیئت مؤسسين این سازمان آغاز دوره پهلوی و به متعاقب آن جمهوری اسلامی برای آذربايجان و ملل غیرفارس مترادف با ستم ملي، تحریف هویت تورکی آذربايجان به «هویت و زبان آذری»، حاکمیت سیستم واپس‌گرا و نژادپرست مبتنی بر هویت فارسی، ذوب و آسیمیلاسیون هویت‌های غیرفارس می‌باشد

در مرامنامه تشکيلات مقاومت ملي آذربايجان تأکید شده است که «آذربايجان یک وطن دوپاره شده است» و طبعاً ملت تورک آذربايجان محق است در آینده در مورد

## چگونگی رفع این بی‌عدالتی تاریخی تصمیم بگیرد

سند میانی فکری تشکیلات دیرنیش استراتژی و تاکتیک‌های مبارزه سازمان را به‌قدری بیش‌تر از آنچه در بیانیه اعلام موجودیت درج شده توضیح و شرح داده است. «تبلیغ و ترویج بیداری ملی در بین ملت تورک در آذربایجان جنوبی» و «ایجاد غرور و اتحاد ملی در بین لایه‌های مختلف اجتماعی ملت تورک در آذربایجان جنوبی» از موارد نخست اهداف استراتژیک تشکیلات ذکر شده است. طبیعتاً ملت تورک آذربایجان و تورک‌های ساکن در نقاط مختلف ایران برای ده‌ها سال آماج تحقیرها و توهین‌هایی نژادپرستانه بودند تا از هویت خود دست کشیده و در «ملت آریایی یک‌دست» ذوب شوند. دهه‌های تحقیر، توهین، تخریب، سرکوب و قدغن که موزیانه و هدفمند اعتمادبه‌نفس ملی آن‌ها را نشانه می‌رود تا اعتقاد و غرور افراد یک ملت به جامعه، فرهنگ و سرزمین خود را خرد کند و در نتیجه مردمی غیر متحد از خود بیگانه و مضمحل آماده استعمار و محکومیت تبدیل شود. مؤسسين تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان با درکی که از این ماهیت و برنامه فاشیسم داشتند، فعالیت‌های مبارزین ملی برای افزایش آگاهی و شعور ملی را در صدر دستور کار تشکیلات قرار دادند. کمیته‌های مختلف تشکیلات مقاومت ملی با امکانات هر چند اندک خود اقدام به نشر و توزیع جزوات و کتاب‌ها و سی‌دی‌هایی در موضوعات مختلف مرتبط با فرهنگ و تاریخ آذربایجان کرده تا با ایجاد گفت‌وگو، گام اساسی را برای بازگرداندن غرور ملی مبتنی بر هویت اصیل تورکی آذربایجانیان برداشته و در مسیر احیای یک ملت سهم خود را به‌جای آورند

تشکیلات تماماً در داخل کشور تأسیس و سازماندهی شد؛ ولی مؤسسين و کادر سیاسی به‌خوبی واقف بودند که بدون سازماندهی شاخه خارج، یک پای سازماندهی لنگ خواهد بود؛ بنابراین رهبران و کادر سیاسی به تشکیل کمیته خارج از کشور تشکیلات از همان سال‌های اول تأسیس اهتمام ورزیدند. در سال ۲۰۱۱ اولین دبیر تشکیلات به افکار عمومی معرفی گردید و پس از آن سال سازمان به طور منظم مسئولین تشکیلاتی خود در خارج از کشور را به طور شفاف اعلام و معرفی می‌کند. اعضای خارج از کشور با برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های گوناگون و همچنین با رایزنی و لابی در کشورهای مختلف تورک، اروپا و آمریکا در راستای احقاق حق تعیین سرنوشت برای آذربایجان جنوبی فعالیت کرده و کماکان به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد

تشکیلات از همان ابتدای اعلام موجودیت و معرفی ساختار شورایی رهبری مورد دقت فعالین سیاسی آذربایجان قرار گرفت. قائل شدن به تفکر جمعی و نحوه تصمیم‌گیری شورایی از نکات حائز اهمیت تشکیلات بوده و هست. جایگاه سخنگو و دبیر در تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان مانند سایر مسئولیت‌های تشکیلاتی طی دوره‌هایی و با انتخابات داخلی (به دلیل شرایط خفقان و اختناق حاکم و نبود امکان برگزاری کنگره) در بین اعضا تعویض می‌شوند و همین امر حاکی از وجود یک ساختار

دموکراتیک و زنده و سیال در تشکیلات دارد. اعضای تشکیلات از هر رده‌ای که باشند در تصمیم‌گیری‌های عمده حق رأی دارند و مسئولین تشکیلات در تصمیم‌گیری‌های عمده نظرات، پیشنهادها و انتقادات اعضا را اخذ و به شورای مرکزی منتقل می‌کنند.

در داخل کشور، تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان با مدنظر قراردادن شرایط سیاسی و اجتماعی کشور به صورت مخفی سازماندهی شده است؛ به طوری که اعضای هسته‌های تشکیلاتی در داخل از هر گونه افشای عضویت خود شدیداً منع می‌شوند. تشکیلات از همان ابتدا همان‌طور که در مرامنامه خود در بخش تاکتیک‌ها ذکر شده است؛ خود را جزئی از حرکت ملی آذربایجان محسوب می‌کند و اعلام می‌کند که برای «ایجاد هماهنگی و اتفاق بین تشکل‌ها و لایه‌های حرکت ملی» تلاش خواهد کرد. کارنامه فعالیت و مبارزات تشکیلات نیز مهر تأییدی بر این ادعاست؛ به طوری که تشکیلات نه تنها ادعای نمایندگی کل حرکت ملی را نداشته، بلکه همواره به عنوان یک پرنسیب برای ایجاد مکانیزمی متشکل از طیف‌های مختلف حرکت که از لحاظ فکری و استراتژی‌ها نزدیک‌تر هستند همراه و در مواقعی نیز پیشقدم شده است.

تشکیلات همواره اهداف عالی حرکت ملی آذربایجان را با رویکردی پراگماتیک دنبال کرده و هیچ موقع از اندیشه ملی حرکت ملی جدا نشده است. پراگماتیسم، هم در داخل و هم در خارج با توجه به شرایط و اتمسفر سیاسی زمانه، یک رویکرد معمر در این ساختار سیاسی بوده و بر تمامی اجزای آن در تمام رده‌ها حاکم است. تشکیلات در این راستا با انتشار بیانیه‌های تحلیلی، برنامه‌های تلویزیون اینترنتی آراز نیوز، نشریه دیرنیش سسی، نشریه دیرنیش گنجلیگی، نشریه توپراق، سند استراتژیک برای فردای آذربایجان جنوبی ۲۰۱۸ و سایر فعالیت‌های مدیاتیکی در مسیر بسط گفتمان حرکت ملی آذربایجان و گسترش آن اقدام کرده است. با بررسی محتوای فعالیت‌های تئوریک تشکیلات، رویکرد رئالیسم و واقع‌گرایی در درون تشکیلات در مواجهه با تغییرات معادلات منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی کشور مشهود می‌باشد.

لازم به توضیح است، نسخه اول سند راهبردی به عنوان نقشه راه و چهارچوب فعالیتی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در تابستان سال ۲۰۱۸ منتشر شد و بیانگر باورهای جامع تشکیلات دیرنیش برای آذربایجان آزاد و دموکراتیک بود. با گذشت بیش از ۶ سال از انتشار نسخه نخست «سند راهبردی»، با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه و با در نظر گرفتن منافع ملی و تغییرات جامعه‌ی آذربایجانی، به روزرسانی و بازنگری «سند راهبردی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان» امری اجتناب‌ناپذیر بود.

## نظام سازمانی و رهبری

بنیان‌های فکری و عقیدتی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در پی درک ضرورت تاریخی بخشی از فعالین حرکت ملی آذربایجان برای گذر به فاز سیاسی در حرکت ملی در طی یک پروسه تکاملی طرح‌ریزی شد. مؤسسان تشکیلات که ضرورت ایجاد یک سازمان سیاسی برای نیل به اهداف حرکت ملی را درک کرده بودند با توجه به وضعیت سیاسی حاکم بر ایران و آذربایجان جنوبی جلسات متعددی را در شهرهای آذربایجان جنوبی به صورت مخفی برگزار و در پی یک پروسه هم‌فکری و استشاره و اقدامات علمی و میدانی روند ایجاد تشکیلاتی سیاسی با مشخصات معین را آغاز کردند. این پروسه روند طبیعی و تکاملی خود را طی کرد به گونه‌ای که قبل از اعلام موجودیت رسمی، ساختار و اعضای تشکیلات به صورت سیستماتیک اقدام به فعالیت‌های تبیین فکری و اقدام عملی در شهرهای آذربایجان کرده بود و پس از یک بازه زمانی فعالیت کاملاً مخفی، هیئت مؤسس تصمیم به اعلام موجودیت تشکیلات می‌گیرد و در مارس ۲۰۰۶ این موضوع تحقق می‌یابد.

چنانچه پیش‌تر ذکر گردید؛ تشکیلات بر پایه یک پروسه استشاره و گفتگو بین فعالین سیاسی بنیان نهاده شد و از ابتدای امر بر اساس کاربزمای شخصی و حول یک شخصیت سیاسی و یا فرهنگی شکل نگرفت. همین ساختار تشکیلاتی بعدها نیز پی گرفته شد و رهبری شورایی به یک اصل، بنیان و شالوده ساختاری مبدل شد. عدم محوریت شخصیت در تشکیلات و ریشه‌دار بودن سنت استشاره و رأی‌گیری موجب شده است تا ساختاری پویا، متغیر و انعطاف‌پذیر بر فضای تشکیلات حاکم شود.

بنابراین، رهبریت تشکیلات بر اساس اصل استشاره و مرکزیت رهبریت شورایی اعمال می‌شود. با این حال در هر کار گروهی نقش برخی اشخاص به لحاظ برخی ویژگی‌های

شخصیتی و سابقه مبارزاتی سیاسی برجسته‌تر می‌باشد و این امری طبیعی است

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در طول نزدیک به دو دهه از آغاز به فعالیت خود، اقدام به سازماندهی کمیته‌های شهری، نشر، دانشجویی، جوانان، کارگری و زنان کرده که یکی از کمیته‌های اثرگذار آن کمیته مردمی دفاع از غرب آذربایجان می‌باشد. این کمیته خدمات شایانی در زمینه مبارزه با تروریسم در منطقه و افزایش آگاهی مردم با خطرات آن در غرب آذربایجان داشته است. اعضای کمیته متشکل از کمیته‌های شهری و مرتبط با شورای مرکزی تشکیلات، در طول سال‌ها هم به صورت عملی و میدانی و هم در فضای اینترنت با نشر اخبار و نشریه‌ها همچون نشریه توپراق نقش پررنگی در آگاهی‌بخشی به مردم در برابر خطر تروریسم داشتند

کمیته نشر تشکیلات با فداکاری و قبول ریسک بالا سال‌ها اقدام به چاپ و نشر آثار کمیته تحقیقات و کمیته‌های دیگر را بر دوش کشیده و با نشر کتاب‌ها و مجلات و جزوات به صورت فیزیکی در شهرهای آذربایجان جنوبی فعالیت ملموس و محسوس تشکیلات را به دوش گرفته است

نمایندگان تشکیلات در کشورهای مختلف از جمله جمهوری آذربایجان و تورکیه، اروپا و آمریکا با برگزاری نشست‌ها و همایش‌های گوناگون، برگزاری و شرکت در راهپیمایی‌ها و تجمعات اعتراضی و دیدار با نمایندگان سایر احزاب سیاسی و همچنین دیدار با شخصیت‌های سیاسی کشورها، مسئولیت شناساندن آذربایجان جنوبی و تبعیض‌ها و ستم‌های وارده بر ملت تورک آذربایجان جنوبی به دنیا را بر دوش می‌کشند

تشکیلات دیرنیش اعتقاد راسخی به شفافیت فعالیت سیاسی و پاسخگویی به شهروندان آذربایجان جنوبی دارد؛ اما شرایط ناشی از سیاست خفقان و سرکوب شدید رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی این اجازه را نمی‌دهد و از همین روی به دلایل امنیتی انتشار چارت تشکیلاتی و همچنین معرفی کامل اعضا مقدور نیست

## بخش دوم



## تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی کشور و ملل تحت ستم

در تاریخ معاصر، آذربایجان پیش‌قراول ممالک ایران در راه برقراری آزادی، عدالت، حاکمیت قانون بشری و توسعه بوده است. آزادی‌خواهان آذربایجان با آغاز نهضت مشروطه در پی دستیابی به هدف و مفهوم وسیع و فراگیر لغو حاکمیت مطلقه و برقراری حاکمیت قانون بودند. هدف و مفهومی فراگیر که کرامت انسانی را در مرکز پروسه تکامل فکری و تمدنی خود قرار می‌داد. از سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ میلادی آذربایجان در موازات مبارزه با استبداد مطلقه، با تأسیس «انجمن ایالتی آذربایجان» در تبریز توانایی اداره خود به مدت ۵ سال را در تاریخ معاصر به اثبات رساند. انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن‌های ولایتی زیر مجموعه آن که به استناد قانون مترقی انجمن‌های ایالتی و ولایتی تأسیس شده و منتخبین مردم بودند، نه تنها تجلی توانایی حاکمیت بر مقدرات ملت تورک آذربایجان بود؛ بلکه به طور بارز شیوه دموکراتیک و حق اداره امور داخلی آذربایجان را به نمایش می‌گذاشت. در رقم خوردن این حادثه مهم تاریخ آذربایجان قطعاً رهبری سیاسی و تشکیلاتی بی‌بدیل علی‌مسیو و مرکز غیبی تبریز که با انقلابیون آذربایجان شمالی در ارتباط مستقیم بودند و نیز فرماندهی نظامی ستارخان سردار ملی غیرقابل انکار است که به نوبه خود نشانگر اهمیت و تأثیر کار تشکیلاتی منجسم را خاطر نشان می‌شود.

در انقلاب مشروطه افرادی که با نهادهای قدرت حکومت‌های مترجع مرکزی در تعامل و بده‌بستان بوده و در مقابل نهضت مشروطه و یا به عبارتی فراگیر در مقابل موج آزادی‌خواهی قرار گرفتند، در برهه‌های مختلف تاریخ معاصر آذربایجان در مقابل جنبش‌های مردمی آزادی‌خواه و عدالت‌طلب ایستاده‌اند. این افراد و یا نهادهای وابسته به قدرت مترجع به دلیل داشتن روابط مبتنی بر رانت و قدرت همواره منافع شخصی



خود را در مقابل نهضت‌های مردمی دیده و با استبداد و دیکتاتوری در یک جبهه واحد علیه آزادی‌خواهان قرار گرفته‌اند

انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن‌های ولایتی تابع آن از جمله در شهرهای اردبیل، اورمیه، ساوج بولاغ (مهاباد فعلی)، خوی، مراغه، سراب و غیره و مجاهدین مشروطه که به دنبال نظم جدیدی مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک فداکارانه مبارزه می‌کردند خود را در مقابل اتحاد ارتجاع محلی و استبداد مرکز دیدند

در اثنای تحولات جنگ جهانی اول برای مدت کوتاهی در آذربایجان حکومت اتحاد اسلام به مرکزیت تبریز و باریاست جمشید خان مجدالسلطنه افشار ارومی (۱۹۱۸) شکل گرفت که توجه ویژه‌ای به هویت ترکی آذربایجانی داشت ولی به دلیل نتایج جنگ جهانی اول این حکومت خاتمه یافت. بعد از آن نیز جنبش شیخ محمد خیابانی (۱۹۲۰) که خود از رهبران جنبش مشروطه بود شکل گرفت و تلاش کرد دست‌آوردهای جنبش مشروطه را احیا کند که متأسفانه آن نیز در مقابل نیروهای استبدادی شکست خورد

بعد از کودتای ۳ حوت (اسفند) ۱۲۹۹ شمسی (۲۲ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) توسط رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبایی با برنامه‌ریزی یک کشور خارجی موجی از دستگیری و شکنجه، خفقان و توقیف فعالین سیاسی و روزنامه‌نگاران به بهانه ایجاد نظم و قانون آغاز شد. در همین دوره و کمی پیش از آن با شکست مشروطه و اوضاع نابسامان مملکت افکار ملیتاریستی، ملی‌گرایی افراطی فارسی، یکسان‌سازی ملت‌ها در ایران و دشمنی با تورک و عرب توسط روشنفکران آن دوره بسط و نشر می‌شد. برای مثال شاعر عارف قزوینی در ابیاتی چون «زبان تورک از برای قفا کشیدن است / صلاح، پای این زبان ز مملکت بریدن است» به روشنی پیشنهاد برچیدن این زبان در ایران را می‌داد

نشر افکار نژادگرایانه آریایی، یکسان‌سازی زبانی و نژادی، گناهکار اعلام کردن یک گروه ملی/اتنیکی همچون تورک‌ها و عرب‌ها به‌عنوان مسبب تمام بدبختی‌های ایران تشابهات بسیاری با افکار یهودی‌ستیزانه در آلمان پیش از جنگ جهانی دوم داشت. از جمله سیاست‌های بسیار تاسف‌برانگیز حکومت پهلوی حکومت این بود که به تبعیض و سرکوب هویتی، فرهنگی و سیاسی آذربایجان و شهروندان تورک تبار اکتفا نکرد و به صورت سیستماتیک اقدام به تخریب گسترده آثار تاریخی دولتهای تورک تبار پیش از خود کرد. در این دوره در تهران و آذربایجان خصوصاً شهر تبریز دهها اثر تاریخی مربوط به حکومت‌های تورک آق قویونلو، قارا قویونلو، افشار، صفوی و خصوصاً قاجار تخریب شدند. چنین سیاستی در مناطق عرب نشین جنوب نیز اجرا شد. هدف این سیاست پاک کردن حافظه تاریخی ملت‌های تورک و عرب ساکن در ایران بود. این سیاست در دوره جمهوری اسلامی نیز به نحوی از انحا ادامه یافت.

اگرچه رژیم پهلوی اول با حمایت‌های بلاشک بریتانیا به قدرت رسید، اما رفته‌رفته

با الهام از ایده‌های نازیسم آلمانی توسط این رژیم در ممالک محروسه ایران، سیاست تک‌ملتی فاشیستی بر اراضی باقیمانده از امپراتوری‌های تورک عملاً پیاده شد. هدف برچیدن تفاوت‌ها و یکدست کردن ملت‌های مختلف این امپراتوری و ساختن تصنعی یک ملت کی‌برداری شده از ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواهانه رایج در غرب آن زمان بود. بعد از جنگ جهانی اول به دلیل گسترش ویرانی و نابسامانی ناشی از جنگ، اندیشه‌های تمامیت‌خواهی در برخی کشورهای اروپایی شکست خورده به‌صورت سرطان‌وار رشد کرد. از جمله در آلمان شکست خورده و ایتالیای ناراضی از نتایج جنگ تفکرات تمامیت‌خواه نازیستی و فاشیستی شکل گرفته بود و جریان آریایی‌گری با الهام از اندیشه‌های عنوان شده از سوی آدولف هیتلر در ممالک محروسه ایران پیاده شد. اگرچه اندیشه‌های رژیم پهلوی شدیداً تمامیت‌خواه و غیر قابل تجدیدنظر بود؛ اما شرایط تکنولوژیک آن زمان در ایران خاورمیانه امکان کنترل و پروپاگانداي حد اکثری مانند آنچه که در رژیم‌های توتالیتر در اروپا و شوروی بود فراهم نشد. باتوجه‌به تغییرات عمده در جهان و البته در منطقه و افزایش وسایل ارتباط جمعی و سرعت‌گیری روند مدرنیزاسیون در کشورهای خاورمیانه و همچنین یکه‌تازی جریان نژادگرایانه و تمامیت‌خواه آریایی‌گرا و باستان‌گرا در ممالک محروسه و حذف ممالک از جمله آذربایجان و آغاز سیاست یکسان‌سازی و آسیمیلاسیون، هژمونی تمامی مظاهر فرهنگی یک مملکت و ملت را بر سایر ممالک به وجود آورد. این وضعیت، تفاوت عمده‌ای با گذشته سنتی و موزائیک ممالک محروسه قاجار داشت و روند مدرنیزاسیون در ایران سیر ناعادلانه، ظالمانه و استعمارگرایانه به خود گرفت.

احتمالاً در صورتی که کودتای رضاخانی رخ نمی‌داد و اندیشه آریایی‌گری روند تصاحب قدرت سیاسی را طی نمی‌کرد؛ روند مدرنیزاسیون سیر طبیعی خود را طی می‌نمود و احتمالاً شاهد تمامیت‌خواهی و برقراری هژمونی یک ملت بر سایر ممالک در این سرزمین باقیمانده از فتوحات امپراتوری‌های تورک نمی‌بودیم؛ سرزمینی که مرزهایش تنها بر اساس فتوحات و یا شکست‌های شاهان و سلاطین تورک در سده‌های گذشته شکل گرفته بود

اشغال شمال ایران توسط اتحاد جماهیر شوروی به دلیل حمایت پهلوی اول از ایدئولوژی نازیسم، فرار رضاشاه و عدم مقاومت در برابر اشغال متفقین و جایگزین شدن پهلوی دوم در ایران، منجر به تغییر عمده در وضعیت کشور شده و سیاست کلان پهلوی اول با تاکتیک‌های دیگر پیگیری شد. رژیم پهلوی که با کودتا وارد صحنه سیاسی ممالک محروسه ایران شده بود در قبال انقلاب مشروطه و دستاوردهای دموکراتیک آن بی‌تفاوت بوده و آن را به رسمیت نشناخت. ماهیت تمامیت‌خواه رژیم پهلوی به لحاظ ایدئولوژیک به طور اساسی با ایده سلطنت مشروطه و ایده‌های تقسیم قدرت آن در تضاد بوده و هست. مشروطیت تنها به لحاظ بار مثبت معنوی تنها برای مشروعیت‌بخشی تبلیغ می‌شد و هنوز نیز می‌شود؛ اما اجرای قوانین آن از جمله تفکیک

قواء، محدودیت‌های اختیارات شاه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی هرگز از سوی رژیم پهلوی امکان اجرا نیافت. زیرا ماهیت وجودی پهلوی در تضاد با چنین ارزش‌هایی پی‌ریزی شده و اهداف مغایری را در برمی‌گرفت

در سال‌های اشغال شمال ایران توسط ارتش سرخ شوروی، مملکت آذربایجان که از فشارهای نژادپرستانه پهلوی اول به‌شدت خشمگین بود؛ نهضت آزادی‌خواهی و خودگردانی را در شکلی دیگر آغاز کرده و نوامبر ۱۹۴۵ دقیقاً زمانی که آلمان نازی تسلیم شده و جنگ جهانی دوم پایان یافته بود حکومت ملی آذربایجان تأسیس شد. اسناد به جای مانده تأکید رهبران حکومت ملی آذربایجان به فرهنگ و زبان تورکی آذربایجان را به نمایش می‌گذارد. مختاریت پیش از این نیز در آذربایجان در مشروطه و نهضت خیابانی تجربه شده بود و نشانگر مقاومت سرکش آزادی‌خواهان آذربایجان در برابر استبداد و ارتجاع بود. مختاریت آذربایجان در طول تاریخ ایران اقدامی برای رهایی از استبداد و ارتجاع و سپس گسترش این رهایی به تمام ایران بدون استثنا بود. مختاریت آذربایجان به عنوان قلعه‌ای برای صدور آزادی به تمام ایران بنا نهاده می‌شد. اگرچه در مقاطعی آزادی‌خواهان زمانی که در برابر تحجر و واپس‌گرایی نوپدید می‌شدند ایده «سرزمین ایرلند آزاد» را در سر می‌پروراندند. متأسفانه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ چنان قتل عام گسترده‌ای از سوی فاشیسم بر ملتمان تحمیل شد که سال‌های مدید آذربایجان در سکوت مرگ فرو رفت. قتل عام ۲۰ هزار انسان میهن‌پرست و آگاه و تبعید تعداد بیشتری به نفع فاشیسم و ارتجاع در شرایط آن روز چنان ضربه‌ای بر مبارزات ترقی‌خواهانه در آذربایجان زد که هنوز آثار آن باقی است

در سال ۱۹۷۹ ارتجاع باستان‌گرایانه آریایی‌گرا جای خود را به ارتجاع شعوبی داد. ارتجاعی که تلفیقی از همان اندیشه‌های تمامیت‌خواه در مسئله ملی‌گرایی و هژمونی فارسی و نوعی مذهب‌گرایی افراطی شیعی بود. انقلاب ۷۹ که به نوعی دستاورد مبارزات طیف‌های گسترده از اندیشه‌های مختلف علیه حکومت مطلقه سلطنت بود؛ توسط گروهی از این طیف‌ها مصادره گردید و نه تنها موجی از حذف‌ها را در بین سازمان‌ها و جریان‌های مرکزگرا به راه انداخت، بلکه در پی تداوم هژمونی فارسی (تاجیکی) و ایده تک‌ملتی در ایران موجی از سرکوب‌ها را در حاشیه ایران در بین آزادی‌خواهان ملل ممالک ایران نیز پی گرفت

مقاومت ملل تحت ستم ممالک محروسه پس از حدود نیم‌قرن حکومت خاندان پهلوی برای احقاق حق خودمختاری در فردای انقلاب در آذربایجان با پیش‌قراولی حزب خلق مسلمان و رهبریت معنوی آیت‌الله کاظم شریعتمداری به اوج خود رسید. قابل‌تأمل است که این بار نیز آذربایجان که شعار خودمختاری را نیز در میان شعارهایش داشت، در برابر حکومت مطلقه این بار در شکل «ولایت‌فقیه» می‌ایستاد. به دلیل وجه ملی جنبش خلق مسلمان بود که از نظر توالی زمانی خمینی آن را در

ردیف جنبش‌های ملی مناطق مختلف ایران سرکوب کرد و سپس سراغ جریان‌های سیاسی مختلف در تهران رفت. به هر روی آذربایجان در طول تاریخ معاصر شعله دموکراسی، آزادی و حاکمیت قانون را برافراشته نگه داشته و دمی از مبارزه با حکومت مطلقه فراقانونی عقب ننشسته و دست نکشیده است.

تاریخ گواه این است که مملکت‌های ایران در دوران استعمار پهلوی و جمهوری اسلامی همواره برای آزادی و حق تعیین سرنوشت از دست رفته خویش مبارزه کرده‌اند و در زمان اوج قدرت حکومت مرکزی مقاومت‌ها در برابر ظلم و تبعیض ادامه یافته است. اگرچه تلاش‌های آذربایجان برای حاکم شدن بر مقدرات خویش تاکنون چندین بار نتیجه داده اما با سرکوب حکومت‌های مرکز فروریخته است؛ اما مقاومت ملت تورک آذربایجان جنوبی برای این هدف غایی همچنان ادامه دارد. امروز پس از گذشت چهار دهه از حکومت جمهوری اسلامی ملت‌های مملکت‌های ایران در برابر هژمونی فاشیسم آریایی و ارتجاع دینی و سیستم توتالیتر مذهبی مقاومت نشان می‌دهند.

دو جنبش به رهبری میرجعفر پیشه‌وری و آیت‌الله کاظم شریعتمداری از مرکز توسط ذهنیت تمامیت‌خواه به خاک و خون کشیده شده و سرکوب گردیدند. قابل توجه است که هر دوی این جنبش‌ها در آذربایجان پس از تغییر در حاکمیت تهران صورت گرفته است. اولی پس از ساقط شدن رژیم پهلوی اول و دومی پس از ساقط شدن پهلوی دوم توسط جریان‌های جایگزین سرکوب گردیدند. هر دو شاید دارای جهان‌بینی‌های متفاوت بودند؛ اما مطالباتشان مشابهت‌های ساختاری داشت. آزادی، عدالت، و حاکمیت بر مقدرات مطالبه هر دو بود. مطالباتی که در امتداد جنبش‌های خیابانی و مشروطه قرار داشت. اکنون نیز بخش بزرگی از اپوزیسیون مرکز‌گرای ایران یا با احتیاط از کنار موضوع ملل تحت ستم در ایران به‌خصوص آذربایجان رد می‌شوند یا بدون حاشیه در یک جبهه با جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. نگاهی به این مسئله نشان می‌دهد که معادلات در جبهه مرکز‌گرایان تمامیت‌خواه در یک صده اخیر به جز تغییراتی جزئی، دگرگونی قابل توجهی نداشته است.

در دوره حکومت جمهوری اسلامی سیاست تبعیض اقتصادی بر علیه آذربایجان نسبت به دوره پهلوی شدت بیشتری گرفت و وضوح بیشتری یافت. جمهوری اسلامی به وضوح منابع طبیعی و انسانی مناطق غیر فارس را به نفع مناطق فارس نشین غارت کرد. نفت مناطق عرب نشین، منابع آبی استانهای کوهستانی غرب کشور و معادن و نیروی انسانی آذربایجان به نفع استانهای کویری عمدتاً فارس نشین مرکز کشور غارت شد و اختلاف اقتصادی بزرگی بین مرکز و مناطق پیرامونی به وجود آمد. آذربایجان که زمانی پیشرفته‌ترین ایالت ایران بود به علت غارت منابع و عدم سرمایه‌گذاری دولتی دچار افول چشمگیر و آشکاری شد. در همین دوره مدیریت غلط و چه بسا تعمدی منبع آبی آذربایجان باعث شد تا آذربایجان با یک فاجعه زیست محیطی حیاتی به

نام خشک شدن و یا خشک کردن دریاچه اورمیه مواجه شد. به رغم اینکه این فاجعه زیست محیطی برای آذربایجان مسئله مرگ و زندگی است و جان دهها میلیون انسان مستقیماً در تهدید است رژیم جمهوری اسلامی هیچ اقدام مؤثری برای حل این بحران انجام نداده است.

معتقدیم که استعمار داخلی در ایران از ارتباط و درهم تنیدگی فکری و همکاری جریان‌های مختلف تشکیل شده است و مبارزه برای رهایی ملی آذربایجان در ابعاد مختلف باید به پیش برده شود. استعمار داخلی در ایران از اتحاد جریان‌های ارتجاعی نژادپرست آریایی گرا و باستان گرایانه، جریان‌های ارتجاعی مذهبی و درهم تنیدگی این جریان‌ها شکل گرفته است که به طور متقابل از یکدیگر تغذیه فکری می‌کنند. این اتحاد در حال حاضر در ظاهر جمهوری اسلامی ایران به صورت یک سیستم توتالیتر نمود پیدا کرده است

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان - دیرنیش، با تحلیل وضعیت موجود در ممالک ایران، تقویت جبهه دموکراتیک ملل تحت ستم در ایران را یکی از راهکارهای اساسی تقویت جبهه مقاومت ملل در برابر جمهوری اسلامی ایران و جریان نژادگرا و استعمارگر حاکم می‌داند. در واقع تجمیع نیرو و تشریک مساعی در جبهه دموکراتیک ملل تحت ستم بر اساس یک سری مشترکات عقیدتی در زمینه تحقق حقوق بشر و منافع ملل و ممالک ضعیف شده می‌تواند مانع از تکرار سرکوب قتل عام مردمان حاشیه ایران توسط نیروهای تمامیت خواه و تمرکزگرا شود. از سوی دیگر مبارزه با ذهنیت فاشیستی و خودبرتربین مبتنی بر مشروع دانستن سلطه سیاسی و فرهنگی در ایران بر به اصطلاح اقوام (!) به طور پارالل بایستی پیش برده شود. در این زمینه بایستی به صورت شفاف این موضوع را تشریح کنیم که مبارزات ملل تحت ستم در ایران ماهیتی آزادی خواه و عدالت طلب داشته و آن چنان که جبهه مقابل به آن انگ قوم گرایی و نژادپرستی می‌زند عاری از هر گونه ماهیت درگیری اتنیکی است.

تشکیلات معتقد به ارزش‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر بوده و نه تنها عاری از هرگونه اندیشه‌های تندرو و افراطی است؛ بلکه برای تمامی اقشار و طبقات مختلف جامعه فارغ از نژاد، زبان، جنسیت و طبقه اجرای تمامی مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر پایبند بوده و از اهداف اساسی خود می‌شمارد. تشکیلات معتقد است اجرای دقیق و جزء به جزء مفاد حقوق بشر از جمله امکان تحقق حق تعیین سرنوشت برای ملت‌های ساکن در ایران می‌تواند صلح و ثبات را برای مردمان این سرزمین به ارمغان بیاورد. تشکیلات در مبحث روابط با دنیای خارج بر اصول تضمین صلح، ثبات و رفاه در منطقه پایبند است. برای این منظور، از سیاست‌هایی که برای ارتقای همکاری رفع اختلافات و ایجاد صلح بین کشورهای منطقه خاورمیانه کمک می‌کند حمایت می‌کند

بنا بر آنچه که ذکر گردید؛ تشکیلات، احقاق حق تعیین سرنوشت برای آذربایجان جنوبی و تأسیس حکومت ملی را جدا از تقویت جبهه دموکراتیک ملل تحت ستم در ایران و آزادی برای ملت‌ها در ایران نمی‌داند. همچنین تشکیلات از هر نوع تلاش دموکراتیک و عدالت‌طلبانه چه در مبحث آزادی بیان، زنان، مطالبات صنفی کارگران، معلمان و دانشجویان برای تقویت جبهه آزادی‌خواهی در برابر جبهه تمامیت‌خواه در ایران حمایت می‌کند.

## شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها

برای طرح یک نقشه راه به‌طور کلی می‌بایست وضع موجود را از جوانب مختلف بررسی نمود و چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جنبش اجتماعی به‌طور دقیق مورد تحقیق و تدقیق قرار داد.

در حال حاضر سیستم موجود در کشور یعنی رژیم جمهوری اسلامی ایران اغلب خصوصیات یک سیستم حکومتی توتالیتر را دارا هست. میل شدید رژیم به کنترل اجتماعی و سیاسی در کشور، پررنگ کردن نقش رهبر در حکومت، پیگیری یک ایدئولوژی تجدیدناپذیر و خلل‌ناپذیر، همگن‌سازی فرهنگی، قدرت‌طلبی نامحدود و فرامرزی، صرف هزینه‌های عظیم برای تبلیغات ایدئولوژیک و البته سرکوب و ترور مخالفان از ویژگی‌های بارز و مشترک رژیم‌های توتالیتر است که البته در مورد جمهوری اسلامی نیز این خصوصیات صادق است

جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌الملل به‌عنوان بازیگری شناخته می‌شود که از اقدامات تروریستی در سراسر جهان و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه حمایت می‌کند. رژیم به‌عنوان یک سیستم غیرمتعارف فاقد ویژگی‌هایی است که بتواند وارد رقابت‌های اقتصادی و روابط متعارف بین کشورهای منطقه و جهان شده و جایگاه خود را با توجه به نورم‌های جهانی تعریف کند؛ بنابراین برای ایجاد هژمونی در منطقه و تأمین منافع خود با ایجاد بی‌ثباتی و تضعیف رقبای خود در منطقه از طریق حمایت مادی و تسلیحاتی از سازمان‌های تروریستی اقدام می‌کند. کشورهای متضرر از اقدامات جمهوری اسلامی به‌خصوص کشورهای غربی سیاست انزوای دیپلماتیک را در برابر فعالیت‌های تروریستی ایران دنبال و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را در سطح بین‌المللی افزایش می‌دهند. هدف این تحریم‌ها محدود کردن حمایت مالی و لجستیکی

ایران از سازمان‌های تروریستی است. کشورهای غربی با همکاری با بازیگران محلی در منطقه به دنبال ایجاد استراتژی مشترک در برابر فعالیت‌های تروریستی ایران هستند. این اقدامات با هدف هماهنگی بازیگران منطقه‌ای برای بهبود محیط امن و تضمین ثبات در منطقه انجام می‌شود. با این حال، دینامیک‌های پیچیده سیاسی در منطقه و نفوذ جمهوری اسلامی ایران، این مبارزه را تا حدودی چالش‌برانگیز می‌کند. از این رو کشورهای غربی و همچنین کشورهای منطقه برای کاهش فضای درگیری و متشنج در منطقه و محدود کردن نفوذ گروه‌های تروریستی نیابتی رژیم نیازمند تدوین استراتژی‌های بلندمدت و جامع هستند.

در سیستم حاکم بر کشور قوای مقننه، مجریه و قضائیه عموماً از دستورات رهبر پیروی می‌کنند و هیچ سازو کار نظارتی مستقلی وجود ندارد. رسانه‌ها و نهادهای آموزشی تحت کنترل حکومت برای گسترش ایدئولوژی حاکم و دست‌کاری جامعه و هدایت افکار عمومی استفاده می‌شوند. به‌مانند تمامی رژیم‌های توتالیتر جمهوری اسلامی ایران نیز برای سرکوب تنوع فرهنگی و اتنیکی/ملی جامعه تلاش می‌کند و هویت یا ایدئولوژی ملی خاصی را ترویج می‌کند و اتحاد حول آن هویت را تشویق می‌کند. همچنین استفاده از روش‌هایی مانند اقدامات خشونت‌آمیز، دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه، آدم‌ربایی و پر کردن بازداشتگاه‌ها از فعالین فرهنگی و سیاسی و اعدام‌های دسته‌جمعی به‌عنوان روش‌های مشترک سرکوب و ترور رژیم‌های توتالیتر مطرح می‌باشد. کنترل در حوزه‌های مختلف مانند مطبوعات، رسانه‌ها، آموزش، هنر و فرهنگ به شدیدترین وجه ممکن صورت می‌پذیرد. دستگاه عریض و طویل سانسور برای جلوگیری از ابراز عقاید افراد حتی در وضعیت موجود که تمامی رسانه‌ها در انحصار حکومت می‌باشد عمل می‌کند و البته نقش رهبر که می‌تواند به هر عنوانی بزرگ شده باشد و تمام فرایندهای تصمیم‌گیری دولت را کنترل کند و به تبع جایگاهی که به آن داده می‌شود از انتقاد و اشتباه مصون نگه داشته شده و خود به عاملی برای سرکوب مخالفان مبدل می‌گردد.

جامعه ایران در چارچوب یک سرزمین با مرزهای مشخص به ارث رسیده از امپراتوری‌های تورک و اکنون تحت سلطه یک رژیم توتالیتر هم به‌صورت مجزا از سیستم حاکم بر آن و هم به‌صورت تلفیقی از حکومت و جامعه باید مورد ارزیابی قرار گیرد. به این صورت میدان و صحنه مبارزه و فرصت‌های پیش روی جنبش و تشکیلات سیاسی نیز مشخص می‌گردد.

در جامعه تحت سلطه حکومت توتالیتر، به دلیل ایجاد محیطی از سرکوب و ترس، جامعه مدنی به‌شدت تضعیف شده و افراد جامعه از اتحاد در زیر چتر سازمان‌ها احزاب و انجمن‌ها واهمه داشته و یک جامعه توده‌ای ایجاد می‌گردد. افراد باید در محدوده تعیین شده توسط دولت عمل کنند. مؤسسات آموزشی، رسانه‌ها و



رویدادهای فرهنگی برای شکل دادن به مردم در راستای ایدئولوژی حکومت استفاده می‌شوند و مردم بی‌آنکه آگاهانه متوجه باشند هر روز تحت تأثیر تبلیغات سیستم قرار گرفته و درصدی از رفتارهای اجتماعی‌شان متأثر از پروپاگاندا سیستم می‌باشد. به دلیل اینکه تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی به شدت توسط سیستم توتالیتر کنترل می‌شود و همچنین به دلیل آنکه افکار عمومی به شدت تحت بمباران تبلیغاتی رژیم قرار می‌گیرد، امکان تفکر آزادانه و همه‌جانبه از آنان خودبه‌خود سلب می‌شود. روشنفکران و فعالین مدنی جامعه که توانایی اندیشه مستقل داشته و می‌توانند خود را از بمباران پروپاگاندا رژیم در امان نگه داشته و یا توانایی دیدن تصویر بزرگ را دارند با قوه قهریه رژیم مواجه شده و بدین شکل این قسمت از جامعه نیز به شکل دیگری تحت کنترل قرار گرفته می‌شود.

بنابراین، رژیم توتالیتر تنها بر اساس قوه سرکوب خود حکمرانی نمی‌کند و ابعاد وسیعی از جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در تداوم ماندگاری سلطه سیستم توتالیتر نقش ایفا می‌کند. در صورتی که بخش قابل توجهی از جامعه توانایی دیدن تصویر بزرگ را به هر شکلی از انحاء بیابد و تصمیم به نافرمانی مدنی و جداسدن از نقشی که حکومت به آنها القا کرده بگیرند، سیستم توتالیتر با احتمال شکست و فروپاشی جدی روبرو خواهد شد.

جامعه ایران در طول صدسال اخیر فاقد تجربه فضای دموکراتیک بوده و از جهت جامعه مدنی به شدت آسیب‌پذیر و ضعیف است. جامعه مدنی متشکل از نهادهای مردمی با اهداف و اندیشه‌های مختلف می‌تواند نقش بزرگی در جلوگیری از پدید آمدن سیستم توتالیتر به دست جامعه توده‌ای بازی کند؛ بنابراین نقش روشنفکران و فعالین سیاسی و فرهنگی جامعه در ایجاد سازمان‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مختلف در زمینه‌های مختلف بسیار حساس بوده و تلاش‌ها برای ارگانیزه شدن قابلیت مقاومت جامعه در برابر تفکرات تمامیت‌خواهی را افزایش خواهد داد. تشکیلات دیرینش در این راستا معتقد است سازماندهی در هر قالبی و هر قدر در مقیاس کوچک می‌تواند کمک بزرگی به تقویت جامعه مدنی کرده و جبهه آزادی‌خواهانه در برابر تمامیت‌خواهان را قوی‌تر نماید.

ما همچنین معتقدیم ایران به‌عنوان یک کشور با مرزهای مشخص باقیمانده از فتوحات و شکست‌های قشون شاهان و سلاطین تورک، کشوری کثیرالمله است که در صدسال اخیر اراده ملت‌ها توسط تمامیت‌خواهان و با حمایت‌های قدرت‌های جهانی به تسخیر گرفته شده است. معتقدیم ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین سیستم‌های تمامیت‌خواه در ایران و استعمار ملل تحت ستم وجود دارد. به عبارتی دیگر دموکراسی برای تمامی ایران زمانی ممکن خواهد بود که سیستمی اقتدارگرا و تمامیت‌خواه بر سر کار نباشد و سیاست یکسان‌سازی و استعمار داخلی در ایران برای همیشه برچیده شود. آزادی و

دموکراسی در کل ایران بدون به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های ملل تحت ستم در ایران امکان‌پذیر نیست. لازم به توضیح نیست که دود محدود کردن حق آزادی بیان و آزادی تحزب و آزادی‌های از این دست در یک کشور علیه جمعیت قابل توجهی از ملل غیر فارس بر چشم جامعه فارس نیز می‌رود و این مهم در صورتی که از سوی روشنفکران جامعه فارس با تمام جوانب و عمقش درک نشود می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیر و تلخی برای تمام جوامع ساکن در ایران داشته باشد.

در توضیح رابطه بین دموکراسی و حقوق ملت‌ها و اقلیت‌های اقلیتی و مذهبی در یک کشور کثیرالمله به چند مورد اشاره می‌شود.

حمایت از حقوق و آزادی‌های ملت‌ها و اقلیت‌ها در یک کشور به‌طور کلی به آزادی بیان و اندیشه و نیز حاکمیت قانون بستگی دارد که این نیز اصل اساسی و قدم نخست برای برپایی یک کشور و جامعه دموکراتیک می‌باشد. در یک کشور دموکراتیک، احترام به آزادی بیان و اندیشه، حاکمیت قانون و استقلال سیستم قضایی تضمین‌کننده حمایت برابر از گروه‌های ملی و اقلیتی است.

میزان مشارکت و نمایندگی گروه‌های ملی و اقلیتی در فرایندهای دموکراتیک برای سلامت دموکراسی مهم است؛ بنابراین در یک محیط دموکراتیک، گروه‌های ملی و اقلیتی حق خواهند داشت احزاب سیاسی خود را تأسیس، در انتخابات شرکت و خود را ابراز کنند.

اهمیتی که به پلورالیسم و تساهل در کشورهای دموکراتیک داده می‌شود، ملت‌ها و اقلیت‌های مختلف را به زندگی مسالمت‌آمیز با هم تشویق می‌کند؛ بنابراین پلورالیسم به‌عنوان یکی از اصول جامعه دموکراتیک نقش مهمی در حمایت از حقوق و آزادی‌های گروه‌های ملی و اقلیتی ایفا می‌کند.

همچنین در کشورهای دموکراتیک، رسانه‌ها و آزادی بیان برای گروه‌های ملی و اقلیتی مهم است تا بتوانند صدای خود را به گوش مردم برسانند و از حقوق خود دفاع کنند. محدود کردن این آزادی‌ها ممکن است منجر به نقض حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی شود.

آنچه که در بالا ذکر شد؛ تنها چند نمونه از اصول دموکراسی است که در صورت تحقق، جامعه و فرهنگ هژمون از موهبت‌های آن برخوردار می‌شود و تأثیرات مثبتی بر وضعیت جامعه در بر خواهد داشت. به‌عبارتی دیگر قدم گذاشتن در راه دموکراسی مستلزم دست کشیدن از هژمونی‌گرایی و تحکم اکثریتی در ایران می‌باشد؛ زیرا رعایت اصول دموکراسی همچون پلورالیسم، آزادی بیان و آزادی مطبوعات، فرایند انتخابات آزاد و تحزب باعث شنیده شدن هر چه بیشتر ملت‌های تحت ستم خواهد شد.

دموکراسی در بسیاری از موارد به‌طور خودکار حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی را

تضمین نمی‌کند. برای افزایش کارایی هرچه بیشتر دموکراسی در تضمین حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی باید سیستم دموکراسی در کشور چندملیتی تقویت گردد. به این منظور در قدم اول به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی ملی و چندملیتی بودن کشور به طور کل و به رسمیت شناختن با ویژگی‌های ملی ملت‌ها در قانون اساسی می‌تواند اولین سپر دفاعی ملت‌های تحت ستم کنونی در ایران دموکراتیک فردا باشد

یک قرن تبلیغ حکومت‌های تمامیت‌خواه و فاشیستی در ایران تخریبات عظیمی بر تفاهم بین گروه‌های ملی برجای گذاشته و ضربه بزرگی به تحمل و تساهل اجتماعی در ایران وارد کرده است. نظام آموزشی باید برنامه‌های درسی شامل محتوای تنوع ملی و تاریخ و فرهنگ ملت‌های مختلف در کشور را در دستور کار خود قرار دهد. این اقدام باعث کاهش تنش‌های بین ملت‌ها در ایران و دیگرستیزی در کشور شده و به رسمیت شناختن ملت‌ها در ایران توسط یکدیگر می‌تواند باعث افزایش روح تساهل و روحیه زندگی در صلح در کنار یکدیگر شود

مشارکت سیاسی و نمایندگی ملت‌ها باید افزایش یابد. حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی برای تأسیس احزاب سیاسی و مشارکت سیاسی با هویت ملی و اقلیتی خود در سیستم‌های انتخاباتی به صورت منصفانه باید تأمین و تضمین گردد. بایستی برای گفتگو بین گروه‌های ملی بر اساس سازوکارهای موجود در دموکراسی‌ها برای حل مناقشه‌ها از روش‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک شرایط ایجاد کرد

دموکراسی تقویت شده می‌تواند تاندازه‌ای حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی در ممالک ایران را تأمین کند؛ اما چنانچه گفته شد؛ دموکراسی توانایی تضمین تمام و کمال حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی را ندارد. این موضوعی پذیرفته شده در جهان مدرن می‌باشد. ابتدا دلایل این مسئله بررسی و سپس راهکار رایج در کشورهای دموکراتیک برای تضمین حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی را مطرح خواهیم کرد

در برخی موارد، دموکراسی ممکن است رویکردی اکثریتی داشته باشد؛ به گونه‌ای که سیاست‌ها و تصمیماتی که اکثریت تعیین می‌کند ممکن است حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرد یا به آنها آسیب برساند. اگر اقدامات خاصی برای حمایت از حقوق اقلیت‌های ملی و اقلیتی انجام نشود، این امر می‌تواند منجر به نقض حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی و یا مذهبی شود

همچنین در برخی موارد، فرایندهای دموکراتیک از جمله انتخابات ممکن است به دلایل مختلف از جمله مهندسی سیاسی و فرایندهای معمول برای اخذ رأی بیشتر در انتخابات و چانه‌زنی‌ها و لابی‌گری‌ها در رأی‌گیری‌های مجالس دارای نقص باشد. در این صورت، رهبران سیاسی می‌توانند از حقوق گروه‌های ملی برای کسب رأی برای منافع خود استفاده کنند یا گروه‌های ملی را در مقابل یکدیگر قرار دهند

حتی در دموکراسی‌ها، حاکمیت قانون ممکن است رعایت نشود یا سیستم قضایی در معرض مداخله سیاسی قرار گیرد. در این صورت ممکن است تدابیر قانونی لازم برای حفظ حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی فراهم نشود و عدالت برقرار نشود. حتی در یک جامعه دموکراتیک، برخی از اقشار ممکن است نسبت به تفاوت‌های ملی یا اقلیت‌ها بی‌تحمیل باشند. در این صورت حتی می‌توان از فرایندهای دموکراتیک برای نقض حقوق گروه‌های ملی یا ترویج تبعیض استفاده کرد.

به همین دلایل لازم است در کنار تقویت دموکراسی برای حفظ حقوق گروه‌های ملی و اقلیتی و مذهبی تدابیر ویژه و تلاش مستمر صورت گیرد. نهادهای دموکراتیک تنها ابزاری برای جامعه‌ای صلح‌دوست، عدالت‌طلب و برابری‌طلب هستند که تنوع ملی را می‌پذیرد؛ اما به تنهایی کافی نیستند.

سیستم فدراتیو می‌تواند یک سیستم مؤثر برای یک کشور چندملیتی برای حمایت از حقوق و آزادی‌های گروه‌های ملی و همچنین تقویت دموکراسی باشد. فدرالیسم سیستمی است که در آن دولت مرکزی به واسطه قانون اساسی اختیارات خود را به دولت‌های منطقه‌ای تفویض می‌کند و قدرت بین این دولت‌ها تقسیم می‌شود. به این ترتیب به گروه‌های ملی و اقلیتی مختلف اجازه داده می‌شود تا بر اساس اصل خودمختاری، هویت فرهنگی و منابع مادی و معنوی خود را حفظ کنند.

بخش سوم



## فدرالیسم به مثابه یک راهکار

همان‌گونه که دموکراسی به معنای کلاسیک آن قدرت سیاسی را بین افراد جامعه به طور برابر به اشتراک می‌گذارد و فرصت برابر انتخاب‌شدن از تمامی افراد یک جامعه را امکان‌پذیر می‌کند، فرصت اشتراک در تعیین آینده خود و حق نمایندگی، حق پیشرفت، رفاه و حق آزادی و عدالت، حق آزادی بیان و تحزب را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد، فدرالیسم نیز قدرت سیاسی را بین جوامع با فرهنگ و زبان، دین و مذهب و نژاد متفاوت در یک کشور را به طور عمودی به اشتراک می‌گذارد و زمینه صلح بین ملیت‌های مختلف در یک کشور را بر مبنای دیالوگ و مذاکره و حل و فصل اختلافات بر اساس گفتگو و فرایندهای سیاسی را فراهم می‌آورد؛ بنابراین برای یک ثبات سیاسی و اجتماعی دائمی در ایران دموکراسی و فدرالیسم به طور مکمل هم عمل خواهند کرد. فدرالیسم سیستمی است که به‌عنوان ابزاری در اداره بسیاری از کشورهای بزرگ و دارای تنوع ملیتی مورد استفاده قرار گرفته است و تاریخ آن به دولت‌شهرهای یونان و جمهوری روم قدیم نیز برمی‌گردد و در طول زمان سیر تکاملی طی کرده و اکنون نیز برخی کشورهای متمدن و توسعه‌یافته جهان با این سیستم اداره می‌شوند که مزایای زیادی وجود دارد که این سیستم می‌تواند برای کشورهای خاورمیانه از جمله ایران به ارمغان بیاورد.

ملت‌هایی که در مناطق مختلف ایران زندگی می‌کنند دارای فرهنگ، زبان و مذهب و نیازهای اقتصادی فرهنگی و اجتماعی متفاوتی هستند. این سیستم به مناطق مختلف با تنوع ملی اجازه می‌دهد تا هویت و نیازهای منحصر به فرد خود را حفظ و تقویت کنند. فدرالیسم به دولت‌های محلی اختیارات تصمیم‌گیری بیشتری می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا نیازهای جوامع خود را بهتر تشخیص داده و برآورده کنند.

دموکراسی و فدرالیسم مکمل هم هستند و فدرالیسم دموکراسی را در کشور را تقویت می‌کند. به جای اینکه دولت مرکزی همه تصمیمات را بگیرد، در یک سیستم فدرال، دولت‌های محلی اختیارات تصمیم‌گیری بیشتری دارند. این امر مشارکت مستقیم شهروندان در مسائل منطقه خود همچین کشور را فراهم می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا علاوه بر اینکه در سطح کشوری مشارکت می‌کنند نفوذ بیشتری در سطح ایالتی هم داشته باشند

علاوه بر این، فدرالیسم از تمرکز بیش از حد حکومت مرکزی جلوگیری می‌کند. تلاش حکومت مرکزی برای کنترل و نظارت بر تمامی امور کشور می‌تواند منجر به ناکارآمدی بروکراسی و فساد در مدیریت کلان شود؛ چیزی که در حال حاضر جمهوری اسلامی به حدی درگیر این فساد و ناکارآمدی در مدیریت استان‌های کشور شده که برخی سران و نهادهای آن برای مدت‌ها تقسیم کشور به چندین منطقه اقتصادی و یا صحبت‌هایی در مورد تمرکززدایی را - که البته طرح‌ها و نظریه‌هایی ناقص و پراگماتیک هستند - به میان می‌آورند. در سیستم فدرالیستی با کمک دولت‌های ایالتی از تمرکزگرایی در حکومت مرکزی جلوگیری شده و از تمامیت‌خواهی و فساد اداری جلوگیری می‌شود و با تصمیم‌گیری سریع، حکمرانی مؤثرتری ارائه می‌شود

در نهایت، این مدل می‌تواند آزادی‌های بیشتر، مشارکت دموکراتیک بیشتر و حکومت‌داری مؤثرتر را برای جوامع و ملت‌ها در ایران فراهم کند. معتقدیم نیروهای دموکراتیک کشور با ائتلاف سیاسی مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک و تشریک مساعی مبتنی بر اصول تشکلی‌گرایی و سیستماتیک خواهند توانست در برابر تمامیت‌خواهی به نیرویی قابل توجه مبدل گشته و در مسیر سعادت و برون‌رفت کشور از توتالیتریزم و استعمار داخلی گامی بزرگ بردارند

البته کشور ایران از زمانی که پایه‌های آن در دوره صفویه گذاشته شد تا دوره پهلوی به صورت تاریخی و سنتی به صورت فدرالی اداره شده است. سیستم اداره «ممالک محروسه» که در دوره‌های صفویه و قاجار وجود داشت؛ نیز در واقع همان فدرالیسم سنتی بود و ایران به صورت طبیعی از ایالاتی مانند آذربایجان، خراسان، فارس، کرمان، عربستان و غیره تشکیل می‌شد. سیستم متمرکزی که توسط یک قدرت اروپایی به دست رضا خان در ایران ایجاد شد؛ منطبق بر واقعیات تاریخی و سرزمینی نبود و در عمل نیز ناموفق شد. لذا بازگشت به سیستم فدرالی بازگشت به اصل تاریخی خواهد بود

## ساختار سیاسی جمهوری فدرال ایران

هدف تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان سعادت ملی ملت تورک آذربایجان جنوبی و سایر مناطق تورک‌نشین ایران می‌باشد و معتقد است این امر با تحقق خواست تاریخی تأسیس حکومت ملی و دموکراتیک در آذربایجان مبتنی بر اصل حق تعیین سرنوشت ممکن می‌باشد.

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، برای حفظ منافع ملی تورک‌ها، حکومت ملی آذربایجان جنوبی با ساختار جمهوریت در داخل مرزهای جمهوری فدرال ایران بر پایه استفاده از حق تعیین سرنوشت باید تأسیس گردد. تقسیم‌بندی سیاسی کشور در چارچوب ساختار فدراتیو می‌تواند منطبق بر واقعیات تاریخی کشور بر اساس ایالات و ولایات انجام گیرد. همچنان که در تاریخ ایالات و ولایاتی مانند آذربایجان، عراق عجم، گیلان و مازندران و یا طبرستان، عربستان، کردستان، بلوچستان، فارس، کرمان، خراسان، تورکمن صحرا وجود دارد، همین تقسیمات تاریخی می‌تواند مبنای تقسیمات فدرال باشد.

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان شکل حکومت در ایران، بایستی بر اساس جمهوریت و فدرالیسم بنیان نهاده شود تا بر اساس اصول تفکیک قوای سیاسی و پرهیز از تمرکز نامتوازن قدرت و تقسیم قدرت سیاسی در بین ملت‌ها در ایران راه برای پی‌ریزی یک دموکراسی و توسعه پایدار فراهم گردد.

پایتخت دولت فدرال می‌تواند با توجه به ساختار متنوع و متکثر آن همچنان شهر تهران باشد. تمامی ایالات باید به تناسب جمعیت خود در حکومت فدرال در پایتخت فدرال تمثیل شوند.



بر اساس موازین و اسناد بین‌المللی حقوق بشر بایستی در قوانین حکومت فدرال ایران حق تعیین سرنوشت ملت‌های تشکیل‌دهنده کشور ایران به رسمیت شناخته شود.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان معتقد است که سیستم حکومتی ریاستی، به‌عنوان یک شیوه دموکراتیک با ظرفیت بالای سرعت در تصمیم‌گیری و اجراء مناسب‌ترین نظام برای اداره ایالت آذربایجان خواهد بود. این تشکیلات برای حفظ تعادل و جلوگیری از تمرکز قدرت، ضمن حفظ ثبات سیاسی و کارآمدی و سرعت تصمیم‌گیری سیستم ریاستی در ایالت‌ها، سیستم حکومتی پارلمانتاریستی را نیز برای تضمین یک نظام اداری و حقوقی دموکراتیک برای سطح فدرال پیشنهاد می‌کند

در سیستم پارلمانتاریستی پیشنهادی، نخست‌وزیر که توسط مجلس فدرال انتخاب می‌شود، مسئولیت اصلی امور اجرایی و اداره کشور را بر عهده دارد. نخست‌وزیر از حمایت اکثریت پارلمان برخوردار بوده و کابینه را برای اجرای سیاست‌های دولت تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور که نقش نمادین یا تشریفاتی دارد، معمولاً مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شود. وظایف رئیس‌جمهور به نظارت بر قانون اساسی، امضای قوانین و نمایندگی کشور در مراسم‌های رسمی محدود است

این ساختار دوگانه باعث ایجاد تعادل میان قوای مجریه و مقننه در سطح فدرال می‌شود و نقش محوری نخست‌وزیر در اداره کشور با نظارت پارلمان تضمین می‌کند که قدرت بیش از حد در دست یک نهاد متمرکز نشود. در عین حال، رئیس‌جمهور که به‌عنوان نماد وحدت ملی عمل می‌کند، می‌تواند نقش میانجی‌گرانه‌ای در بحران‌های سیاسی ایفا کند

این مدل، با حفظ سیستم ریاستی در ایالت‌ها و پارلمانتاریستی در سطح فدرال، ثبات سیاسی و کارآمدی اجرایی را تضمین می‌کند و امکان نمایندگی متنوع‌تر از اقشار، ملل و مذاهب مختلف جامعه چندملیتی ایران را فراهم می‌آورد

## حکومت‌های ایالتی

شکل حکومت‌های ایالتی جمهوری خواهد بود.

حدود اختیارات و صلاحیت‌های حکومت‌های ایالتی و دولت فدرال بایستی با جزئیات دقیق تدوین شده و به تصویب مجالس ایالتی و فدرال برسد.

حکومت‌های ایالتی دارای دولت (کابینه)، نهاد قضایی و مجالس ایالتی، شهری و روستایی خواهد بود. مجلس شامل نمایندگان انتخاب شده توسط مردم خواهد بود که در قانون‌گذاری سیاست‌های داخلی جمهوری نقش دارد. اختیارات مابین این نهادها و بین حکومت ایالتی و حکومت فدرال بایستی به دقت و جزئیات تدوین شود. ایالت در چارچوب سیستم فدرال کشور از اختیارات و خودمختاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی دارا خواهد بود. این شامل تصمیم‌گیری در زمینه اداره و مدیریت امور داخلی، در زمینه‌های اقتصاد، زبان رسمی، فرهنگ و آموزش، زیرساخت‌ها و حق داشتن نیروهای انتظامی و امنیتی ایالتی می‌شود. این نیروها تابع حکومت ایالتی خواهند بود.

حکومت ایالت مسئول اجرای سیاست‌های داخلی جمهوری، مذاکرات و توافقات با دولت فدرال ایران و امور اداری و خدمات عمومی است

ایالات می‌توانند قوانین داخلی را با شرط عدم مغایرت با قانون اساسی جمهوری فدرال ایران تصویب و اجرا کنند. بنابراین تاجایی که قانون اساسی فدرال مانعی ایجاد نکرده باشد ایالات می‌توانند قوانین متفاوتی تصویب و به اجرا بگذارند. حوزه‌های تحت حاکمیت دولت فدرال شامل مسائلی می‌شود که بر تمام کشور تأثیر می‌گذارد، مانند سیاست خارجی، دفاع در مقابل تهاجمات خارجی، تجارت بین‌المللی، مهاجرت، و مسائل مربوط به قانون اساسی کشور. اما حوزه‌های تحت حاکمیت ایالت‌ها شامل

قوانین مربوط به آموزش، امنیت داخلی ایالت، قوانین کیفری، حقوق مدنی، سلامت، محیط زیست و تجارت داخلی می‌باشد

جمهوری‌ها ایالتی در ایران فدرال دارای قوه قضائیه مستقل خواهند بود. این جمهوری‌ها دارای سیستم قضائی مختص خود خواهند بود که مسئولیت اجرای قوانین و دادرسی در مورد قضاوت در امور مرتبط را بر عهده دارد. این سیستم قضائی شامل دادگاه‌ها، کانون وکلای مستقل و نهادهای قضایی مرتبط است که در حوزه قضائیه محلی فعالیت می‌کنند. تصمیمات دادگاه‌های ایالت‌ها در چارچوب قانون اساسی فدرال می‌تواند با قوانین فدرال سازگاری داشته باشد و یا در برخی موارد متفاوت باشد. قوه قضائیه دولت فدرال و نهادهایی چون دیوان عالی دولت فدرال می‌توانند نقش نظارتی بر دادگاه‌ها و اعمال عدالت و اجرای قانون اساسی فدرال را بر عهده بگیرند

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، سیستم حکومتی ایالت‌ها می‌تواند ریاستی باشد و رئیس دولت توسط انتخابات مستقیماً از سوی و با رأی مردم در یک انتخابات آزاد و رقابتی بین احزاب انتخاب شده و وظیفه تشکیل کابینه وزرا و اداره امور اجرایی را بر عهده بگیرد

ایالات بر اساس اصول دولت فدرال فاقد وزارت امور خارجه بوده؛ اما در چارچوب خودمختاری‌ها و اختیارات، مسئولین دولت‌های ایالتی می‌توانند در زمینه همکاری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دیگر کشورها، برقراری ارتباطات امضای تفاهم‌نامه و هماهنگی‌های لازم دیدار و ارتباط برقرار کنند

احزاب سیاسی در ایالات بایستی ضمن داشتن حق شرکت در انتخابات ایالتی از حق شرکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری دولت فدرال ایران برخوردار باشند

## دوران گذار از رژیم جمهوری اسلامی

در شرایط بحرانی بعد از سقوط رژیم جمهوری اسلامی در ایران نیروهای سیاسی در آذربایجان به دنبال تشکیل یک دولت ملی در منطقه خواهند بود. به این ترتیب لازم است که برنامه منظم و جامع برای دوران گذار تدوین شود. این برنامه باید شامل مراحل و وظایف مشخص برای نهادهای موقت باشد تا بتواند به یک انتقال آرام و موفق به یک دولت دموکراتیک در آذربایجان جنوبی و ایران منجر شود

به موازات فعالیتها برای مدیریت دوران گذار در ایالات، فعالیتها برای مدیریت دوران گذار در سطح کشور نیز باید انجام گیرد که طبعاً با مشارکت نمایندگان مشروع ایالات انجام خواهد گرفت

### الف. تشکیل شورای ملی موقت

شورای ملی موقت به عنوان اولین گام برای تشکیل حاکمیت ملی در آذربایجان ایجاد می شود. این شورا متشکل از نمایندگان احزاب سیاسی، شخصیت‌های برجسته و صاحب نظران است که در مبارزات ملی شرکت کرده‌اند. وظایف اصلی این شورا عبارت‌اند از

\* مدیریت امور سیاسی، امنیتی و اجتماعی منطقه در دوران گذار

\* تشکیل و نظارت بر کمیته‌های موقت برای مدیریت امور جامعه

\* تضمین امنیت و حفظ نظم عمومی

- \* ایجاد شرایط لازم برای انتقال قدرت به نهادهای دائمی دموکراتیک
- \* برعهده گرفتن تمامی مسئولیت‌های امور اجرایی و حکومتی تا زمان انتخابات و تشکیل دولت دائمی و مجلس ملی
- \* کمک به تسهیل انتقال قدرت با همکاری نهادهای بین‌المللی و نظارت بر انتخابات
- \* فراهم کردن شرایط برگزاری انتخابات و تأسیس مجلس ایالتی

اولین وظیفه مجلس ایالتی تدوین قانون اساسی جدید برای ایالت خواهد بود. این قانون اساسی باید حقوق و آزادی‌های تمامی شهروندان را بر اساس ارزش‌های جهان‌شمول حقوق بشر تضمین کند و ساختارهای حکومتی را به‌وضوح تعریف نماید. پس از تصویب قانون اساسی ایالت آذربایجان که قاعدتاً بایستی متناسب با قانون اساسی جمهوری فدرال ایران تدوین شده باشد دوران گذار به پایان می‌رسد

## ب. تشکیل کمیته موقت انتخابات

کمیته موقت انتخابات تحت نظارت شورای ملی موقت تشکیل خواهد شد. این کمیته وظیفه دارد که

- \* بستر لازم برای برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه و شفاف را فراهم کند،
- \* نظارت بر تمام مراحل انتخابات، از جمله ثبت‌نام کاندیداها و رأی‌دهندگان، تبلیغات انتخاباتی و اخذ آراء،
- \* تضمین نمایندگی برابر تمامی اقشار و گروه‌ها در این فرایند،
- \* همکاری با نهادهای بین‌المللی برای نظارت بر فرایند رفراندوم و تضمین شفافیت آن،

## ج. تشکیل کمیته سازماندهی و ساماندهی قوای مسلح

کمیته سازماندهی نیروهای مسلح برای مدیریت نیروهای مسلح شامل ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی تحت نظر شورای ملی موقت تشکیل خواهد شد. شورای ملی موقت به‌منظور تأمین امنیت شهروندان و حفاظت از اماکن عمومی، خطوط مواصلاتی، دفاتر احزاب و نمایندگی‌های خارجی، پلیس ایالتی را سازماندهی خواهد کرد. وظایف این کمیته عبارت‌اند از

- \* حفظ انسجام و نظم در نیروهای مسلح،
- \* جلوگیری از هرگونه تجزیه و یا شورش داخلی در نیروهای امنیتی،
- \* انتقال آرام و کنترل شده نیروهای مسلح و ادغام این نیروهای در نهادهای منتخب دموکراتیک،
- \* حفظ نظم و امنیت عمومی،
- \* مقابله با تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی،
- \* حفاظت از حقوق بشر و تضمین عدالت در دوران گذار،

### د. همکاری با نهادهای بین‌المللی

- در دوران گذار، همکاری با نهادهای بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این همکاری‌ها می‌تواند شامل
- \* نظارت بر انتخابات،
- \* دریافت کمک‌های مشاوره‌ای، فنی و مالی برای بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها،
- \* تضمین حمایت بین‌المللی از حاکمیت سیاسی و شناسایی تمامیت ارضی ایالت آذربایجان

## بخش چهارم



## ارزش‌ها و موازین

آزربایجان، سرزمینی با تاریخ پربار و فرهنگی متکی بر احترام به تنوع و همزیستی، سال‌هاست که در مسیری پرفراز و نشیب به سوی آزادی و عدالت گام برمی‌دارد. مبارزات این ملت برای کسب حق تعیین سرنوشت خود، نه تنها بازتابی از اراده‌ای مستحکم، بلکه نمایانگر تلاشی است پیوسته برای ایجاد جامعه‌ای استوار بر اصول انسانی و برابری

این مبارزات در حالی صورت گرفته و می‌گیرند که آرمان‌های ملت تورک آزربایجان همواره بر حفظ حقوق اساسی افراد، فارغ از اتینک، زبان و دین، تأکید داشته‌اند. در واقع، این مبارزات برای ساختن نظامی است در آن، آزادی، عدالت و برابری به عنوان پایه‌های اصلی جامعه در نظر گرفته شوند. از این رو، آزربایجان با اتکا به ارزش‌های مدرن به دنبال پی‌ریزی جامعه‌ای است که در آن هر فرد بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی یا مذهبی، فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی را داشته و حقوق او در تمامی جنبه‌های زندگی محفوظ باشد

آزربایجان با توجه به چالش‌های پیش رو، به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق یکدیگر، اصول غیرقابل انکاری باشند. این مسیر، نیازمند تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی است که بتواند عدالت اجتماعی را تضمین کند و توسعه پایدار را به ارمغان آورد. آینده‌ای که این کشور در آرزوی آن است، جامعه‌ای است که در آن، هیچ فردی به حاشیه رانده نمی‌شود و همگان در محیطی آزاد و برابر، امکان رشد و شکوفایی دارند

در این میان، توجه به حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر، به ویژه زنان و کودکان، کارگران،



اقلیت‌های جنسی و مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حمایت از این گروه‌ها، نه تنها برای حفظ عدالت اجتماعی ضروری است، بلکه نشان‌دهنده تعهدی عمیق به اصول اخلاقی و انسانی است. آذربایجان، با درک این حقیقت که احترام به تفاوت‌ها و تضمین حقوق برابر برای همه، اساس پایداری و ترقی جامعه است، به سوی آینده‌ای گام برمی‌دارد که در آن، تمامی اعضای جامعه می‌توانند به ظرفیت‌های کامل خود دست یابند.

## سکولاریسم

به اعتقاد تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، حکومت ملی آذربایجان جنوبی و به‌طور کلی جمهوری فدرال ایران باید مبتنی بر اصل جدایی امور سیاسی حکومت از ادیان بنیان‌گذاری شده و یک حکومت سکولار باشد. قوانین در سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه به‌هیچ‌عنوان از قوانین شرعی و دینی متأثر نخواهد بود. قوانین قضایی حکومت ملی آذربایجان جنوبی منطبق بر قوانین کیفری مدرن و عقلانی تنظیم خواهد شد. مجلس قانون‌گذاری حکومت ملی آذربایجان و قوه مجریه کابینه دولت با پایبندی به قانون اساسی و وظایف و مسئولیت‌های خود را در چارچوب اصل سکولاریسم پیش خواهند برد. دین نباید در فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های دولتی دخالت داشته باشد، اما دولت نظارت و کنترل‌هایی بر فعالیت‌های دینی، به‌ویژه از طریق نهادهایی مثل سازمان امور دینی خواهد داشت. این موضوع در بخش دین و مذاهب تشریح شده است.

## حکومت سکولار

**(الف):** حکومت ملی آذربایجان یک حکومت سکولار خواهد بود که اصول سکولاریسم را به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری خود اعلام خواهد کرد. سکولاریسم به معنای جدایی کامل دین از دولت و تضمین آزادی مذهبی و اعتقادی برای همه شهروندان است.

**(ب):** حکومت باید تمام اعتقادات و مذاهب دینی و غیردینی را به طور برابر محترم شمرده و در قبال آنها موضع بی‌طرفی داشته باشد. حکومت با وضع سیاست‌گذاری و قانون باید تضمین کند که هیچ شهروندی در آذربایجان جنوبی به دلیل عقیده، مذهب، یا عدم اعتقاد دینی و مذهبی و یا عدم رعایت اصول مذهبی مورد تبعیض و فشار و تهدید قرار نمی‌گیرد.

در این نظام، دولت در مسائل دینی بی‌طرف است و با همه ادیان فاصله مساوی را حفظ می‌کند. دولت به رسمیت شناختن هر دینی را رد می‌کند و به اعتقادات مذهبی احترام

می‌گذارد. مظاهر و آیین‌های دینی در ملأعام مجاز خواهند بود، اما ارکان سه‌گانه حکومت به هیچ‌عنوان رویکرد مذهبی نخواهد داشت. دین و امور حکومتی از یکدیگر جدا خواهند بود؛ اما شهروندان آزادانه می‌توانند عقاید دینی خود را اجرا کنند

در سیستم موردنظر، اصول سکولاریسم سرلوحه قرار دارد و از دولت انتظار نمی‌رود که هیچ اعتقاد یا عمل مذهبی را تشویق یا حمایت یا بالعکس بر علیه آن سیاستی اتخاذ کند. اما نقش دین در زندگی اجتماعی و وجود نهادهای دینی رد نمی‌شود

به‌عنوان مثال، در سیستم موردنظر تشکیلات، ممکن است آموزش دینی در مدارس دولتی ارائه شود، اما به دانش‌آموزان به‌جای تحمیل ایدئولوژی دین خاصی، آموزش دینی عمومی به‌صورت بی‌طرف و علمی باید ارائه شود. استفاده از نمادهای مذهبی در فضاهای عمومی می‌تواند آزاد باشد، اما هیچ نماد مذهبی به‌طور خاص توسط دولت تشویق یا ممنوع نخواهد شد

این سیستم سکولار هم رویکردی برای پذیرش دین در حوزه عمومی و حمایت از آزادی و تنوع پیروان مذاهب گوناگون را اتخاذ می‌کند و هم بر اصل سکولاریسم و جدایی دین از قوه قانون‌گذاری، مجریه و قضائیه مبتنی خواهد بود. به این ترتیب، جامعه و حکومت به تعادلی دست خواهد یافت که در آن فعالیت‌های مذهبی و سکولار هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و تمام اقشار از حس تبعیض و یا به حاشیه رانده‌شدن مصون بمانند

## زبان

در تمامی ایالات جمهوری فدرال زبان و یا زبان‌های رایج آن ایالت زبان رسمی آموزش و اداره خواهد بود. همه زبان‌های پرگویشور مانند تورکی، فارسی، کوردی، عربی و بلوچی باید در سطح کشور نیز رسمی باشند و دولت فدرال موظف است امکانات مساوی برای تمام زبان‌ها را فراهم کند

به اعتقاد تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، زبان تورکی آذربایجانی در نتیجه استعمار داخلی از سال ۱۳۰۴ تا به امروز به شدت توسط فاشیسم حاکم بر ایران به صورت سازمان یافته و سیستماتیک آماج ضربات و آسیب‌های بزرگی شده است

زبان رسمی آموزش در ایالت آذربایجان در تمام مقاطع تحصیلی به زبان تورکی آذربایجانی خواهد بود. در مقطع متوسطه دانش‌آموزان باید حداقل یکی دیگر از زبان‌های رسمی در ایران و یک زبان بین‌المللی را یاد بگیرند.

حکومت ملی آذربایجان، وظیفه ایجاد زمینه حفظ و بالندگی زبان تورکی در آذربایجان جنوبی را با ایجاد فرهنگستان زبان تورکی و تأمین بودجه این سازمان به عهده خواهد

داشت. وظیفه حراست از تمامی زبان‌ها از وظایف دولت فدرال و تمامی دولت‌های ایالتی خواهد بود.

برخی از وظایف فرهنگستان زبان تورکی عبارت‌اند از:

- \* توسعه و اشاعه تورکی به‌عنوان زبان علم، فرهنگ، ادبیات و آموزش،
- \* کمک به استفاده صحیح، زیبا و مؤثر از زبان تورکی در تمامی مؤسسات دولتی و خصوصی،
- \* کمک به اصالت زبان تورکی و جبران مافات تخریبات گذشته،
- \* استفاده از تجربیات سایر کشورهای تورک موفق در این زمینه و سیاست همگرایی حداکثری در زمینه زبان تورکی،

در جمهوری فدرال ایران تبعیض و برتری زبانی فرهنگی وجود نخواهد داشت و تمامی زبان‌های عمده در تمام کشور رسمی خواهند بود. زبان‌های باگوشور کم می‌توانند در محل مورد استفاده خود رسمیت داشته باشند

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان تحمیل زبان به شهروندان غیر تورک امری غیر قابل قبول بوده و مغایر با اصول دموکراتیک بشر متمدن امروزی است. بدین ترتیب

## حقوق زبان‌های مختلف در آذربایجان جنوبی

**(الف):** زبان اصلی و رسمی آذربایجان جنوبی تورکی خواهد بود. اما دولت موظف است حقوق همه زبان‌های موجود در آذربایجان جنوبی را تضمین کرده و از تبعیض زبانی جلوگیری کند،

**(ب):** هر فرد دارای حق استفاده از زبان مادری در تمامی امور زندگی شخصی، فرهنگی و اجتماعی خود است. دولت مسئول است که امکانات لازم را برای آموزش و حفظ زبان‌های مختلف در آذربایجان جنوبی را بر اساس ارزش‌های پلورالیسم فرهنگی فراهم نماید

**(ج):** حکومت ملی باید با قوانین لازم تضمین کند که هیچ شهروندی به دلیل استفاده از زبان مادری خود مورد تبعیض قرار نمی‌گیرد و اصول برابری در حقوق و امکانات رعایت می‌شود

**(د):** حکومت ملی آذربایجان چندزبانگی را نه تنها یک تهدید نخواهد شمرد؛ بلکه باید برای حفظ و توسعه زبان‌های مختلف، در کنار زبان تورکی، سیاست‌های مناسب تدوین و اجرا کند و ترویج فرهنگ چندزبانگی را به‌عنوان عاملی برای ایجاد تعامل و

افزایش غنای فرهنگی تشویق کند

(هـ): در مواردی که گروهی از شهروندان آذربایجان به یک زبان خاص در منطقه خاصی سخن می‌گویند، دولت می‌بایست به معنای حفظ هویت فرهنگی و زبانی آن منطقه، اقدامات لازم از جمله تأمین بودجه برای توانمندسازی و توسعه زبان و فرهنگ آنان به عمل آورد

## جغرافیای ملی

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان اراضی ایالت آذربایجان جنوبی شامل استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان، قزوین و البرز و مناطق تورک‌نشین استان‌های گیلان، همدان، مرکزی، کردستان و کرمانشاه می‌باشد

مناطق ایالت آذربایجان جنوبی به ترتیب به شرح زیر می‌باشد:

استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز،

استان آذربایجان غربی به مرکزیت اورمیه،

استان اردبیل کنونی به مرکزیت اردبیل،

استان زنجان به مرکزیت شهر زنجان،

استان قزوین به مرکزیت شهر قزوین،

استان البرز کنونی به مرکزیت کرج،

شهر آستارا و مناطق تورک‌نشین سواحل دریای خزر،

شهر ساوه و مناطق تورک‌نشین استان مرکزی،

مناطق تورک‌نشین تهران و قم،

مناطق تورک‌نشین استان همدان به مرکزیت همدان

و شهرهای بیجار، قروه، سنقر و صحنه

## پرچم

در کنار پرچم فدرال ایران، هر ایالتی حق دارد پرچم ایالتی خود را داشته باشد. پرچم جمهوری فدرال ایران می‌بایست در مجلس فدرال و با رأی نمایندگان ایالت‌ها و استان‌ها و با اعمال نظر این مجلس طراحی و تصویب گردد.

پرچم پیشنهادی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان - دیرنیش برای آذربایجان جنوبی موسوم به «پرچم مبارزات ملی آذربایجان جنوبی» می‌باشد که در زمینه قرمز ماه و ستاره هشت پر، گوشه چپ بالا رنگ آبی و گوشه چپ پایین رنگ سبز می‌باشد. در حال حاضر این پرچم در داخل و خارج از کشور در بین جریان‌های سیاسی به‌عنوان پرچم مبارزات ملی آذربایجان جنوبی شناخته می‌شود.



## دین و مذاهب

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان؛ در آذربایجان جنوبی، تسامح و احترام به ادیان و معتقدات شهروندان، یکی از اصول بنیادی دموکراسی و آزادی فردی خواهد بود. در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، افراد با اعتقادات و دین‌های متنوعی وجود دارند. حکومت ملی آذربایجان باید شرایطی را فراهم کند که همه افراد جامعه بتوانند آزادانه مراسم دینی و مذهبی خود را اجرا کنند؛ طبیعتاً این مراسم‌ها همراه با احترام به حقوق فردی و اجتماعی دیگر شهروندان اجرا گردد.

به اعتقاد تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، سازمان امور دینی تحت‌نظر دولت ملی آذربایجان جنوبی (رئیس دولت) باید تأسیس شود و وظیفه سازماندهی، مدیریت و نظارت بر عملکرد عبادتگاه‌ها و خادمین دین را بر عهده بگیرد. بودجه این نهاد توسط حکومت ملی تأمین خواهد شد.

این نهاد در چارچوب اصل سکولاریسم در جهت ایجاد فرهنگ مدارا و رواداری و تساهل و تسامح بین تمامی مذاهب و ادیان و باورهای دیگر را بر عهده خواهد داشت. خادمین دینی در دانشگاه‌ها و در رشته الهیات و یا مدارس علوم دینی تحت کنترل وزارت آموزش عالی تحصیل کرده و فارغ‌التحصیلان این رشته برای عبادتگاه‌های آذربایجان توسط سازمان امور دینی آذربایجان منسوب خواهند شد. وظایف و اهداف این سازمان به طور تفصیلی در نظام‌نامه و اساسنامه این سازمان مبتنی بر اصول قانون اساسی تدوین خواهد شد.

در کنار دانشکده‌های الهیات، مدارس دینی در آذربایجان جنوبی می‌توانند تحت نظارت سازمان امور دینی و وزارت آموزش حکومت ملی به پرورش خادمین دینی بپردازند.

مدارس و دانشگاه‌های اوقاف دینی می‌توانند تحت نظارت حکومت ملی آذربایجان تأسیس و به فعالیت و پرورش روحانیان برای مساجد و سایر عبادتگاه‌ها اقدام کنند.

ما عقیده داریم که دین، یک امر شخصی و خصوصی است و بر این باوریم که هیچ فردی حق ندارد دیگران را به دین خود ملزم کند یا آنها را از دین خود منع کند. هیچ فردی حق ندارد به آزادی‌های فردی افراد جامعه تعدی کرده و اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل نماید. ما با رعایت اصل تفکر آزاد، هر فردی را تشویق می‌کنیم تا دین خود را بدون هرگونه تبعیض و تعصب، تجربه کند. ما بر این باوریم که احترام به تنوع دینی می‌تواند به تقویت اجتماع و تعاملات فرهنگی بین افراد کمک کند و صلح و همبستگی را ترویج دهد. دین‌باوران، خداباوران، خدااناباوران و تمامی دگراندیشان در صورت عدم تحمیل اعتقادات خود به افراد جامعه می‌توانند مراسم‌ها و فعالیت‌های مدنی و دینی خود را انجام دهند.

با توجه به اهمیت تسامح و تعامل بین ادیان و مذاهب، حکومت ملی باید با اجرای فعالیت‌هایی به ترویج تفهیم و تعامل بین ادیان و مذاهب و اندیشه‌های غیردینی و دگراندیشان مختلف کمک کند. برگزاری گفت‌وگوها و نشست‌های مذهبی مشترک، تشکیل گروه‌های بنیادین و تبادل دیدگاه‌ها، تدریس تاریخ ادیان و نه تدریس احکام دینی در کتب درسی مدارس می‌تواند به تقویت تفاهم و همدلی بین اقشار مختلف جامعه را فراهم کند.

ما به حفظ آزادی‌ها، حقوق شهروندی و تسامح بین ادیان اهمیت بسیاری قائل هستیم. اعتقاد ما این است که در صورت ترک تعصبات و تبعیضات دینی، می‌توانیم با هم به سوی یک آینده بهتر و پویاتر حرکت کنیم. معتقدیم اعتقادات دینی و مذهبی اکثریت مردم آذربایجان جنوبی نه بر اساس نفرت و ترس بلکه بر اساس ارزش‌هایی چون عطف و مرحمت بنیان نهاده شده و همین موضوع امیدها برای ساختن یک جامعه به‌دوراز تعصب و افراط را افزایش می‌دهد تا بتوانیم گام‌های پایداری در راه پیشرفت و توسعه برداریم.

## فرهنگ و هویت ملی

مفاهیم فرهنگ و هویت ملی در ایران در صدسال اخیر از جمله مفاهیم اصلی جنجال‌برانگیزی است که بستر اختلافات اساسی را در بین جوامع ساکن در ایران فراهم می‌سازد. بر کسی پوشیده نیست که هژمونی یک جریان فکری مشخص در یک قرن اخیر در ایران و خوانش تک‌ملتی بر پایه رویکرد تحمیل یکی از فرهنگ‌های موجود در این اراضی بر سایر جوامع این کشور موجبات سو تفاهم‌ها و اختلافات عمیقی شده است. این اختلافات بر اثر سیاست تحمیل از بالا به پایین قدرت سیاسی در کشور، در طول زمان به مناقشه جدی تبدیل گشته و موجی از بی‌اعتمادی را در جامعه مستولی کرده است. به گونه‌ای که طرف‌داران سیستم تمرکزگرا در ایران نیز همواره واژه افتادن کشور به شرایط خلأ قدرت را دارند؛ زیرا خود نیز به این امر واقف و این فصل از تاریخ نیز مسبوق به سابقه است.

سیستم تمرکزگرا در ایران که قائم بر تمامیت‌خواهی و سرکوب است، به شدت در برابر تغییر قدرت و یا دست‌به‌دست شدن آن، تقسیم قدرت و دموکراسی به شدت مقاومت می‌کند؛ زیرا تمرکزگرایی، به طور طبیعی در ایران منجر به تمرکز قدرت نیز می‌شود و طبعاً فرهنگ حاکم نیز در طول صدسال اخیر به جهت حفظ هژمونی بر سایر ملل از رسیدن به دموکراسی نیز عاجز مانده است. به طوری که نه خود به آزادی و دموکراسی می‌توانند دست یابد و نه اجازه آزادی، دموکراسی و رهایی به سایر جوامع در ایران می‌دهند. مثال زندانبانی که زندانی را در زندان نگه می‌دارد و خود نیز

در زندان می ماند

بنابراین، ضرورت تبیین فرهنگ و هویت ملی در ایران با اتخاذ رویکردی متفاوت انکارناپذیر است. فرهنگ و هویت ملی بر اساس تکثرگرایی، پلورالیسم، بهرسمیت شناختن و پذیرش یکدیگر علی‌رغم تمام تفاوت‌ها می‌تواند هژمونی فرهنگی در کشور را زدوده و تساوی حقوق را برای جوامع مختلف کشور به ارمغان بیاورد. اولین اقدام برای نیل به این هدف بهرسمیت شناختن ملت‌ها و مذاهب مختلف در ایران است. صورت‌بندی حاکم بر صدسال اخیر مبنی بر «ملت ایران» با ویژگی‌های فرهنگی غالب فارسی و نشانه‌گذاری بر سایر ملل با عنوان تحقیرآمیز «اقوام ایرانی» سیستم استعمار داخلی را برای ایران به ارمغان آورده و حاشیه‌ای عقب‌نگه داشته شده و مرکزی به نسبت مرفه و توسعه‌یافته در تمامی زمینه‌ها از جمله علم، هنر، اقتصاد و رفاه به وجود آورده است.

از دیدگاه تشکیلات، پس از این گام اساسی باید مکانیسم‌هایی ایجاد شود که تکثرگرایی و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری از سوی تمامی ملت‌ها در ایران تضمین گردد. برای جلوگیری از تداوم تبعیض و سیاست‌های موجود باید مقررات قانونی لازم با مشارکت نمایندگان ملل مختلف در ایران تدوین و اجرا شود.

باید سیاست‌هایی که حفظ هویت‌ها و زبان‌های فرهنگی مختلف را در این کشور چندملیتی تشویق می‌کند توسعه یابد. استفاده از زبان‌ها و فرهنگ‌های ملل مختلف باید در آموزش، رسانه‌ها، رویدادهای فرهنگی و اقتصادی تشویق شود.

صدسال تبلیغ هژمونی فرهنگ و هویت ملی خاص در کشور موجب تخریبات گسترده در وضعیت حقوق بشر شده و تحمل هم‌زیستی در کشور را به دلیل موجی از انتشار نفرت‌پرانی کاهش داده است؛ بنابراین برای تعمیر و بهبود زخم‌های صدسال بایستی برنامه‌ها و کمپین‌های آموزشی برای افزایش تفاهم بین ملل مختلف و تجلیل از تنوع فرهنگی سازماندهی شود. باید برای ایجاد فرهنگ تساهل، احترام و همکاری در جامعه تلاش کرد.

طبعاً این اقدامات در سایه یک سیستم سیاسی تضمین شده با قانون اساسی و قوانین قانون‌گذاران در مجلس با نمایندگان ملل مختلف امکان‌پذیر می‌باشد. مجلس فدرال با مشارکت نمایندگان ملل مختلف اطمینان حاصل می‌کند که صدای ملت‌های مختلف شنیده شده و در بحث دفاع از حقوق ایشان بایستی بر اساس قانون اساسی توانایی انجام اقدامات الزام‌آور داشته باشند.

در این صورت می‌توان امیدوار بود که تخریبات نژادپرستی و استعمار داخلی در یک قرن اخیر در کشور می‌تواند با مشارکت شهروندان، احزاب سیاسی و جامعه مدنی ملل در ایران در طول زمان کاسته شده و کم‌رنگ شود و زمینه زندگی مسالمت‌آمیز



مردمان با فرهنگ‌ها و زبان‌ها و نژادهای متفاوت در یک کشور کثیرالمله فراهم گردد

## اقتصاد

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان اعتقاد دارد که اقتصاد جمهوری فدرال ایران و حکومت ایالتی آذربایجان باید بر اساس اصولی از آزادی اقتصادی، عدالت اجتماعی، رقابت و حق مالکیت بنا شود. حفظ حقوق اقتصادی هر فرد و تضمین حقوق مالکیت از طریق سیستم اقتصادی بازار آزاد یک اصل مهم است

حقوق اقتصادی افراد باید برای همه افراد، بدون تبعیض اتنیکی، نژادی، جنسیتی یا اعتقادات سیاسی، تضمین شود. هر فرد باید دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، آموزش و منابع اقتصادی داشته باشد. همچنین عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی یک اصل اساسی در نهادهای اقتصادی فراگیر است

مؤسسات اقتصادی باید در محیطی آزاد، شفاف و رقابتی فعالیت کنند. ما اعتقاد داریم که ایجاد شرایط رقابت بین مؤسسات و نهادهای اقتصادی و ممانعت از به‌وجود آمدن نهادهای اقتصادی بهره‌کش و رانتی باید اصلی غیرقابل چشم‌پوشی در سیاست‌های آینده حکومت فدرال و ایالتی باشد. اگرچه معتقدیم حکومت می‌تواند در برخی موارد نقش تنظیم‌کننده در اقتصاد داشته باشد، اما به‌طور کلی دخالت دولت در اقتصاد باید به حداقل رسانده شود

حق مالکیت یک اصل بنیادین اقتصاد بازار آزاد است. حقوق مالکیت باید تحت ضمانت و نظارت قانون قرار بگیرد. هر فرد حقیقی و حقوقی باید بتواند از مالکیت خود بهره‌برداری کند و دیدگاه سیاسی دولت‌ها نباید استفاده اشخاص حقیقی و حقوقی از منابع و امکان رقابت اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و به‌این ترتیب از اقتصاد رانتی جلوگیری شود

ما اعتقاد داریم که سیستم اقتصادی بازار آزاد بهترین راه برای توسعه اقتصادی و افزایش رفاه برای شهروندان جامعه است. این سیستم تخصص و نوآوری را تشویق می‌کند و باعث پویایی نظام اقتصادی و تبع آن بهبود شرایط زندگی شهروندان می‌شود. با این حال، ما به اهمیت نقش دولت در تعادل بین بازار و حفظ منافع عمومی توجه می‌کنیم و به ایفای نقش دولت در تأمین خدمات عمومی، محیط‌زیست پایدار و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه معتقد هستیم

به‌طور کلی، هدف تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در حوزه اقتصادی، ایجاد یک محیط آزاد و رقابتی برای اشخاص حقیقی و حقوقی است که حقوق اقتصادی را

تضمین کرده و حق مالکیت را حفظ کند. این تشکیلات باور دارد که تعادل بین آزادی اقتصادی و نقش تنظیم کننده دولت در جامعه باید محافظت شود تا اهداف توسعه پایدار و بهبود رفاه شهروندان تحقق یابد

**۱. آزادی اقتصادی:** سیستم اقتصادی موردنظر ما بر آزادی اقتصادی افراد تأکید می کند. این به معنای فراهم کردن زمینه ای است که هر فرد حقیقی و حقوقی بتواند در چارچوب قوانین و مقررات مشخص و با توجه به توانایی های خود، تصمیم های اقتصادی خود را اتخاذ کند. شرایط نظام اقتصادی بازار آزاد در زمینه انتخاب شغل، سرمایه گذاری، تجارت، تولید و سایر فعالیت های اقتصادی باید بر محوریت اجرای قانون و ممانعت از اعمال سلیقه قدرت سیاسی باشد

**۲. سیستم اقتصاد بازار آزاد:** نظام اقتصادی باید بر پایه سیستم بازار آزاد و رقابتی متکی باشد. این به معنای اجازه دادن به اصول بازار و قوانین عرضه و تقاضا برای تعیین قیمت ها و توزیع منابع است. در این سیستم، نیروی اقتصادی توسط سیستم عرضه و تقاضای بازار و رقابت عادلانه و شفاف بین نهادها تنظیم می شود و امکان دخالت زیاد دولت در عملکرد اقتصادی کاهش می یابد

**۳. حفاظت از حق مالکیت:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی به حفظ حقوق مالکیت افراد حقیقی و حقوقی اهمیت می دهد. حق مالکیت به عنوان یک اصل اساسی مورد حمایت قوانین قرار می گیرد و هر گونه تجاوز به آن از سوی هر قدرت دولتی یا غیردولتی توسط دادگاه های مستقل متوقف می شود. این اصل تضمین می کند که افراد حقیقی و حقوقی که مالکیتی بر یک منبع، دارایی یا اموال دارد، از آن بهره برداری کرده و به طور قانونی بر آن حاکمیت داشته باشند

**۴. دولت به عنوان تنظیم کننده:** در سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، حکومت نقش تنظیم کننده در اقتصاد دارد. نقش حکومت محدود به تعیین قوانین و مقررات مربوط به بهبود سازو کار بازار، حفظ رقابت، حمایت از حقوق اقتصادی افراد، تأمین خدمات عمومی و حمایت از اقشار آسیب پذیر است. دولت نباید به طور غیرضروری و بی رویه در فعالیت های اقتصادی دخالت کند، اما باید برای حفظ توازن و عدالت اقتصادی اقدامات لازم را انجام دهد. برای مثال دولت می تواند برای پیشبرد اهداف اقتصادی به اختصاص منابع برای تشویق سرمایه گذاران در صنایع مورد نیاز اقدام نماید؛ لیکن بایستی نهادهای سیاسی دموکراتیک ضامن اجرای عادلانه و شفاف این سیاست ها باشند و از به وجود آمدن نهادهای رانتی وابسته به قدرت سیاسی جلوگیری کنند.

**۵. عدالت اجتماعی:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، به عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و فرصت های اقتصادی توجه می کند. این به

معنای تأمین فرصت‌های برابر برای همه افراد برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌برداری از منافع توسعه اقتصادی است. این اصل در برابر تمایل به تکثیر فقر و نابرابری اقتصادی واکنش نشان می‌دهد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و کمتر برخوردار را در بر دارد

**۶. نظام مالیاتی عادلانه:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، از نظام مالیاتی عادلانه حمایت می‌کند. این به معنای این است که بر اساس قدرت خرید و درآمد، افراد باید به طور منصفانه مالیات پرداخت کنند. این اصل معتقد است که افراد با بالاترین درآمدها مسئولیت بیشتری در تأمین هزینه‌های عمومی و حمایت از اقشار ضعیف دارند؛ بنابراین تناسبی منطقی بین میزان مالیات و درآمد افراد حقیقی و حقوقی باید برقرار شود

**۷. حفظ محیط‌زیست:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به حفظ محیط‌زیست و پایداری آن اهمیت می‌دهد. توسعه اقتصادی باید توأم با حفاظت از محیط‌زیست صورت گیرد و اقداماتی در جهت حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی و حفاظت از تنوع زیستی صورت گیرد. یک توسعه پایدار وابسته به یک محیط‌زیست سالم است

**۸. آزادی تجارت:** آزادی تجارت و تعاملات اقتصادی بین کشورها اصل مهمی در نظام اقتصادی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان است و بر این باور است که تجارت آزاد، فرصت‌های اقتصادی را گسترش می‌دهد، ارتباطات بین ملت‌ها را بهبود می‌بخشد و رونق اقتصادی را ترویج می‌کند؛ بنابراین فارغ از ایدئولوژی و طرز دیدگاه قدرت سیاسی حاکم افراد حقیقی و حقوقی از حق آزادی تجارت داخلی و خارجی برخوردار بوده و قدرت دولت به وسیله قوانین و محاکم قضایی برای اعمال محدودیت باید محدود گردد.

**۹. حمایت از کارآفرینی و نوآوری:** حمایت از کارآفرینی و نوآوری و تشویق به ایجاد و رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، توسعه فناوری، تحقیق و توسعه و ایجاد شرایط مناسب برای نوآوری و خلاقیت در اقتصاد از اصول یک اقتصاد پویا و روبه‌رشد است. وجود یک سیستم اقتصادی مبتنی بر اصول حق مالکیت و مالکیت فکری، وجود یک سیستم حقوقی و نظارتی شفاف، امکان دسترسی به سرمایه‌گذاری و منابع مالی، در سایه یک بازار آزاد و رقابتی می‌تواند بستری لازم برای نوآوران و کارآفرینان را ایجاد و به این ترتیب به رشد اقتصادی کمک نماید.

**۱۰. حمایت از رقابت عادلانه:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به حفظ رقابت در بازار و جلوگیری از تشکیل انحصارها و تحکیم‌های اقتصادی اهمیت می‌دهد. تشویق به رقابت سالم و انتخاب آزاد میان محصولات و

خدمات مختلف به ایجاد فرصت‌های بیشتر برای کیفیت بهتر و قیمت منصفانه در بازار کمک می‌کند

**۱۱. حفظ حقوق کارگران:** سیستم اقتصادی پیشنهادی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان تأکید ویژه‌ای بر حفظ حقوق کارگران و ایجاد شرایط کار منصفانه دارد. این سیستم با حمایت از حقوق کارگری، نظیر حق تشکیل اتحادیه‌ها و حق مذاکره جمعی، به دنبال کاهش نارضایتی‌های شغلی و تضمین محیطی ایمن و بهداشتی برای کارگران است. اجرای قوانین جامع که حقوق و مزایای کافی را برای زندگی شرافتمندانه فراهم می‌کنند، به طور مستقیم به افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند. علاوه بر این، چنین سیاست‌هایی به بهبود امنیت و سلامت روانی جامعه می‌انجامد، زیرا کارگران در شرایطی مطمئن‌تر و پایدارتر فعالیت می‌کنند. برنامه‌های آموزشی و نظارتی مستمر برای ارتقای ایمنی و بهداشت شغلی از دیگر عوامل کلیدی در این رویکرد هستند. در نهایت، توجه به این مسائل نه تنها باعث رفاه کارگران می‌شود، بلکه به نفع کل جامعه و اقتصاد ملی خواهد بود

**۱۲. اجتناب از تبعیض:** سیستم اقتصادی موردنظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان برای جمهوری فدرال ایران و آذربایجان هر گونه تبعیض در برابر افراد بر اساس جنسیت، نژاد، مذهب، ملیت و سایر عوامل پیشگیری خواهد کرد. این اصل برای این باور است که همه افراد باید برخوردار از حقوق و فرصت‌های برابر باشند و از هر نوع رویکرد غیرمنصفانه نهادها محافظت شوند. هر گونه تبعیض در یک سیستم اقتصادی موجب نقض اصل رقابت آزاد و عادلانه شده و بی‌اعتمادی را نسبت به آن افزایش می‌دهد. تبعیض‌ها منجر به نابرابری شده و به فساد می‌انجامد که مانند ویروسی اقتصاد را بیمار و مانع از رشد و شکوفایی آن می‌شود.

**۱۳. شفافیت:** از نظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان دموکراسی رابطه‌ای تنگاتنگ و مستقیم با توسعه اقتصادی داشته و بدون داشتن یک نظام حقوقی شفاف نمی‌توان به توسعه اقتصادی پایدار دست یافت. ما به شفافیت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حکومت و تأمین شرکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری تأکید داریم. همچنین شفافیت به معنای عمومی بودن و دسترسی آزاد به اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های نهادهای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. نهادهای دولتی به‌مانند سایر نهادها در امر اقتصاد نیز موظف هستند اطلاعات مربوط به اقتصاد کلان و خرد و آمار مربوط به بخش خصوصی را در اختیار عموم قرار دهند. شفافیت می‌تواند امکان حسابرسی عمومی را به وجود آورده و از فساد جلوگیری و مفسدین و متخلفین اقتصادی را در معرض قضاوت و نظارت دستگاه قضایی قرار دهد. شفافیت سبب می‌شود تا عموم مردم قادر باشند از فعالیت‌های دولتی و تصمیم‌گیری‌های مربوطه باخبر شوند و به این ترتیب، اعتماد عمومی در کشور افزایش می‌یابد

**۱۴. حکمرانی با مشارکت شهروندان:** تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان باور دارد که مشارکت شهروندان و شفافیت دو روی یک سکه و مکمل هم هستند تا بدین ترتیب تمامی شهروندان با استفاده از آمار و اطلاعات دقیق و درست منتشر شده مربوط به اقتصاد توسط نهادهای ذی‌ربط در یک فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک در مورد مسائل اقتصادی تأثیرگذار باشند

**۱۵. مالیات:** از نظر تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان سیستم مالیاتی کشور بایستی بر اساس اصول عدالت، کارایی و شفافیت و پاسخگویی بنیان گذاشته شود. در بحث عدالت میزان مالیات دریافتی باید تناسبی منطقی با درآمد افراد حقیقی و حقوقی داشته باشد. به این ترتیب افراد با درآمد بالاتر، درصد بیشتری از درآمد خود را به عنوان مالیات پرداخت می‌کنند. هدف از این رویکرد، کاهش نابرابری اقتصادی و تأمین منابع مالی لازم برای ارائه خدمات عمومی است. با این حال سیستم مالیاتی با در نظر گرفتن سیستم اقتصادی جهان کنونی، پیچیدگی‌های بسیاری دارد. ضمن اینکه لازم است سیاست سیستم مالیاتی در راستای بهبود عدالت اجتماعی باشد؛ اما کارایی نظام مالیاتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به این صورت که سیستم‌های مالیاتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که انگیزه‌های اقتصادی را تشویق کنند و از بازدارندگی سرمایه‌گذاری جلوگیری کنند. کاهش نرخ مالیات بر سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند موجب تحریک فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد اشتغال شود. به عنوان مثال، در برخی کشورها، مالیات‌های کمتری برای شرکت‌های نوپا یا شرکت‌های فناوری بالا اعمال می‌شود. همچنین دولت باید موظف باشد که نحوه جمع‌آوری و خرج کردن مالیات‌ها را به اطلاع عمومی برساند و پاسخگو باشند. تأمین منابع لازم برای ارائه خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و زیرساخت‌ها توسط درآمدهای مالیاتی به بهبود کیفیت زندگی و افزایش فرصت‌های برابر برای همه شهروندان کمک می‌کنند. فرار مالیاتی نیز از جمله مسائل و معضلات بسیاری از کشورهاست. سازوکارهایی برای کاهش فرار مالیاتی و تضمین جمع‌آوری عادلانه مالیات‌ها توسط نهادهای قانون‌گذار و اعمال نظارت نهادهای قضایی مستقل می‌تواند مانع از فرار مالیاتی افراد گردد.

**۱۶. بودجه:** ما به عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان معتقدیم پس از فروپاشی حکومت ممالک محروسه قاجار، سیاست‌های استعمار داخلی به منظور یکسان‌سازی یک نظام ناعادلانه را بر کشور حاکم کرده است که همین امر موجب عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی عمیقی در مناطق ملل مختلف در ایران شده است. برای پایان دادن به این نظام ناعادلانه بر اساس اصول دموکراتیک و ارزش‌های بشری امروزین سیستم تقسیم بودجه بین ایالت‌ها و دولت فدرال باید به صورت دقیق تنظیم و مورد توافق قرار گیرد

بر این اساس تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان معتقد است:

۱. تأمین منابع مالی برای دولت فدرال و ایالت‌ها بر اساس یک سیستم توافقی باید

## صورت بگیرد

۲. برای تعیین سهم هر ایالت از بودجه، معیارهایی از جمله جمعیت، سطح توسعه اقتصادی، نیازهای ویژه مناطق و دیگر عوامل مهم باید در نظر گرفته شود

۳. هر ایالت مسئولیت تعیین برنامه‌های خود را در زمینه‌هایی از جمله آموزش، بهداشت، انتظامی و امنیتی و زیرساخت‌ها را باید داشته باشد و بودجه مختص به این زمینه‌ها را مستقل از دولت فدرال تنظیم و تصویب کند

۴. تمامی ایالت‌ها ملزم به تسهیل هماهنگی و همکاری بر اساس اصل «مذاکره و توافق» با دولت فدرال در تأمین منابع مالی و اجرای برنامه‌های مشترک در زمینه‌هایی از جمله دفاعی، امور خارجه و توسعه منطقه‌ای هستند

۵. مجلس فدرال مسئولیت نظارت بر توزیع و استفاده صحیح و عادلانه منابع مالی بین دولت فدرال و ایالت‌ها را برعهده خواهد داشت تا توازن و تناسب لازم در تقسیم بودجه حاصل شود

۶. تصمیمات مربوط به تقسیم درآمدهای مالیاتی بین ایالت‌ها و دولت فدرال به صورت توافقی اتخاذ خواهد شد. هیئت شامل نمایندگان دولت فدرال و نمایندگان ایالت‌ها با همکاری و مشاوره با یکدیگر، تصمیمات مربوط به تقسیم درآمد را اتخاذ خواهند کرد

## تفکیک و استقلال قوا

در جمهوری فدرال ایران تفکیک قوا در سیستم حکومتی به صورت توزیع قدرت و وظایف بین نهادهای مختلف دولتی به صورت افقی و عمودی انجام می‌شود.

تفکیک افقی به معنای تقسیم قدرت بین سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه است. این سه قوه در تعامل با یکدیگر، اما به صورت مستقل عمل می‌کنند تا از تمرکز قدرت در دست یک نهاد یا فرد جلوگیری شود. تفکیک قوا یکی از اصول بنیادین حکمرانی در سیستم‌های حکومتی فدرال و دیگر اشکال حکومت‌های دموکراتیک است

تفکیک عمودی به معنای تقسیم قدرت بین دولت مرکزی و دولت‌های ایالتی است. در سیستم‌های فدرال، دولت مرکزی و دولت‌های ایالتی هر کدام وظایف و اختیارات خاصی دارند

بر خلاف حکومت‌های تمرکزگرا که تقریباً تمام قدرت و اختیارات در دست دولت مرکزی متمرکز است، دولت مرکزی مسئول امور ملی و بین‌المللی مانند دفاع ملی، سیاست خارجی، و تجارت بین‌المللی است. در حالی که در حکومت‌های تمرکزگرا

استان‌ها و شهرها تنها مجری دستورات دولت مرکزی هستند و اختیارات مردم در تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت و محل زندگی‌شان بسیار محدود است؛ اما در مقابل در سیستم‌های حکومتی فدرال قدرت سیاسی به طور عمودی تقسیم شده و دولت‌های محلی دارای استقلال بیشتری هستند تا در برخی از حوزه‌ها به صورت مستقل تصمیم‌گیری کنند. این اختیارات و مسئولیت‌ها معمولاً در قانون اساسی یا توافق‌های بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی تعریف شده است. سطوح مختلف حکومتی کشوری و ایالتی هر کدام در حوزه‌های مشخصی قدرت دارند و به طور موازی کار می‌کنند، بدون اینکه یکی از آن‌ها بر دیگری به طور کامل تسلط داشته باشد.

بنابراین، توزیع قدرت توسط قانون اساسی فدرال به صورت دو شکل افقی و عمودی برای کشور کثیرالملله‌ی ایران موجب جلوگیری از تمرکز قدرت، تضمین کارآمدی و پاسخگویی، حفظ حقوق و آزادی‌های فردی با نظارت متقابل قوا بر یکدیگر و بالا رفتن انعطاف‌پذیری و امکان تطبیق با تنوع فرهنگی، اتنیکی و اقتصادی مناطق مختلف در کشور خواهد شد. توزیع قدرت به صورت عمودی باعث می‌شود که هیچ یک از نهادهای حکومتی چه مرکزی و چه ایالتی نتوانند تمامی قدرت را در دست خود متمرکز کنند و این امر به کاهش تمرکز و احتمال سوءاستفاده از قدرت و استبداد را به حداقل می‌رساند. دولت‌های محلی می‌توانند عملکرد دولت مرکزی را تحت نظر بگیرند و بالعکس. این نظارت متقابل به جلوگیری از قدرت‌طلبی بی‌رویه و تضمین آزادی‌های فردی کمک می‌کند؛ بنابراین این سیستم حکومتی در روند گذار به دموکراسی کشور برای تمامی ساکنین از جمله شهروندان ساکن نواحی مرکزی ایران نیز اثرات مثبتی خواهد داشت.

به‌طور کلی، سیستم‌های فدرال با تفکیک قوا به صورت افقی و عمودی به دنبال ایجاد توازنی بین تمرکز و توزیع قدرت هستند تا هم کارآمدی حکومت را افزایش دهند و هم حقوق و آزادی‌های فردی را حفظ کنند.

## توسعه پایدار و محیط‌زیست

امروزه در کشورهای توسعه‌یافته رابطه مستقیم امر توسعه پایدار با محیط‌زیست سالم امری مسجل است. ما بر این باوریم که بدون توجه جدی به محیط‌زیست نمی‌توان یک اقتصاد مستحکم را برای نسل‌های آینده به ارث بگذاریم. سیاست‌های استعماری ضربه‌های عمیقی بر محیط‌زیست آذربایجان وارد کرده است. ما به‌عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان سیاست‌های حفاظت از منابع طبیعی، مبارزه با تغییرات آب‌وهوا، بهره‌وری انرژی را به‌عنوان اصول اساسی حفاظت از محیط‌زیست و در نتیجه لازمه دست‌یافتن به توسعه پایدار می‌دانیم. بر این باور هستیم که حکومت می‌تواند با

وضع قوانین تشویقی مشارکت عمومی را جلب کرده و بسیاری از پروژه‌ها با مشارکت اقتصادی بخش خصوصی، تعاونی‌ها و نهادهای غیردولتی با موفقیت به ثمر بنشیند

توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر داشته و برای سلامت و رفاه جامعه ما حیاتی است. با اجرای این سیاست‌ها، هم رشد اقتصادی تشویق شده و هم با حفاظت از منابع طبیعی خود، پایداری اقتصاد سرزمین تضمین خواهد شد.

## ۱. تشویق برای گذر به انرژی تجدیدپذیر

- \* مشوق‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی ارائه خواهد شد
- \* در راستای تنوع بخشیدن به منابع انرژی بر اهمیت استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند باد، خورشیدی و هیدروالکترونیک تأکید خواهد شد
- \* تلاش خواهد شد تا با تصویب قوانینی در راستای افزایش بهره‌وری انرژی اقدام شود و از وابستگی به سوخت‌های فسیلی کاهش یابد

## ۲. مدیریت منابع طبیعی

- \* مقررات جدید برای ترویج استفاده پایدار از جنگل‌ها، منابع آبی و زمین‌های کشاورزی تدوین خواهد شد. استفاده بیش از حد از منابع خاک و آب اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت سودآور باشد؛ اما نسل‌های آینده را با معضلات جبران‌ناپذیری روبرو می‌کند.
- \* از طرح‌های حفاظت از جنگل و جنگل‌کاری حمایت خواهد شد. کمپین‌های درخت‌کاری هم از سوی دولت و هم از سوی نهادهای غیردولتی تشویق خواهند شد

## ۳. مدیریت پسماند

- \* سیاست‌هایی که کاهش زباله و بازیافت را تشویق می‌کنند، اجرایی خواهند شد. مشوق‌هایی برای بخش خصوصی برای تأسیس کارخانه‌ها بازیافت و تولید انرژی از زباله‌ها ارائه خواهد شد.
- \* استفاده از مواد شیمیایی خطرناک و مدیریت پسماند هرگونه مراکز صنعتی و درمانی تحت کنترل شدید خواهد بود
- \* فرهنگ تفکیک زباله از خانه‌ها با آموزش از مدارس برای تربیت نسل آگاه و حساس به محیط‌زیست باید تبلیغ و گسترش یابد



## ۴. مبارزه با آلودگی محیط‌زیست و تغییرات آب‌وهوا

سیاست‌های کاهش انتشار کربن برای دستیابی به هوای پاک‌تر و سالم‌تر دنبال خواهد شد. آلودگی هوای ناشی از سوزاندن سوخت‌های فسیلی در نیروگاه‌های شهرهای بزرگ آذربایجان از جمله تبریز به یک معضل سلامتی برای شهروندان تبدیل شده است. خودروهای بی کیفیت و سوخته‌های غیراستاندارد و نبود یک سیستم حمل‌ونقل عمومی مدرن و کامل از مشکلات آلودگی هوای شهرهای آذربایجان جنوبی است. تشویق برای ساخت و یا ارتقای اماکن مسکونی به خانه‌های سبز و صرفه‌جو در مصرف انرژی از جمله اقداماتی است که برای یک محیط‌زیست پاک و سالم در لیست برنامه‌های ما برای آذربایجان جنوبی قرار داده خواهد شد

با توسعه راهبردهای سازگاری، مقدمات مقابله با اثرات تغییرات آب‌وهوایی فراهم خواهد شد. راهبردهای سازگاری با تغییرات آب‌وهوا اقداماتی است که آذربایجان جنوبی به‌خصوص در مبحث منابع آب و کشاورزی به‌شدت نیازمند اجرای طرح‌های مرتبط است. برای مثال در مبحث منابع آب باید برنامه‌های بهره‌وری برای منابع آب برای نظارت و تنظیم مصرف آب از جمله کشاورزی، صنعت و مصارف خانگی ایجاد شود. استفاده از روش‌های آبیاری سنتی باید برچیده شده و روش‌های با راندمان بالا تشویق شود. در بحث کشاورزی نیز برای نمونه در راستای راهبرد سازگاری سرمایه‌گذاری برای تقویت زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و بازاریابی محصولات کشاورزی انجام می‌شود. کشاورزان به سمت ایجاد منابع درآمدی می‌شوند که فقط بر اساس یک محصول واحد نباشد. همچنین کشاورزان در مورد تکنیک‌های کشاورزی مدرن و محصولات کشاورزی که با شرایط اقلیم سازگار هستند، تشویق خواهند شد

مناطق حفاظتی برای حفاظت از مناطق طبیعی و حفظ تنوع زیستی گسترش خواهند یافت. سرمایه‌گذاری برای بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی و ترویج حمل‌ونقل سبز انجام خواهد شد. قانون‌گذاران باید با تدوین قوانین و مقرراتی مشوق‌هایی برای خودروهای برقی و استفاده از تکنولوژی پاک در نظر گرفته بگیرند

کمپین‌های آموزش عمومی برای افزایش آگاهی زیست‌محیطی سازماندهی خواهد شد. برنامه‌های آموزشی مرتبط با محیط‌زیست در مدارس در کتب درسی و فعالیت‌های آموزشی تقویت شود

موارد فوق تنها نمونه‌ای کلی از رویکرد تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به‌منظور توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست در آذربایجان است. استفاده از تجربیات کشورهای مختلف از جمله کشورهای غربی در موضوع توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست باید در اولویت برنامه‌های دولت مستقر در آذربایجان باشد

## عدالت اجتماعی

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان باور دارد که تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی در اقشار جامعه امری واقعی و اجتناب‌ناپذیر است، اما باید به نحوی باشد که برای ضعیف‌ترین اعضای جامعه حداکثر نفع به ارمغان آورده شود. ما بر اساس اصل تفاوت عادلانه و به عبارتی دیگر برابری عادلانه فرصت و اصل تفاوت با پذیرش تفاوت‌های موجود در جامعه فرایندی را باید طی کنیم که منجر به بهبود سطح رفاه زندگی افراد شود، بدون اینکه تفاوت‌ها به شکل ناعادلانه و یا به‌دوراز انصاف باعث تبعیض یا تضییع حقوق افراد شود. برای مثال، به طور عادلانه ممکن است که در یک جامعه تفاوت درآمدها و ثروت‌ها وجود داشته باشد، اما این تفاوت باید به نحوی باشد که افرادی که در شرایط ضعف قرار دارند، همچنان به حمایت و دستیابی به حقوق اساسی و فرصت‌های برابر دسترسی داشته باشند. در جامعه موردنظر ما برای ایجاد عدالت اجتماعی سیستم مالیاتی متناسب با درآمدها باید تنظیم شود

این سیستم مالیاتی به افراد با درآمد بالاتر نسبتاً بیشتری از درآمدهایشان را مالیات می‌کند در حالی که افراد با درآمد پایین‌تر درصد کمتری از درآمدهایشان را مالیات می‌پردازند. این سیستم مالیاتی می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی همراه با پذیرش تفاوت‌ها کمک کند

در یک نمونه دیگر از تأمین عدالت اجتماعی از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در زمینه آموزش عالی دانشجویان می‌توانند به نسبت وضعیت اقتصادی خود از وام کم‌بهره و یا بورس دولتی برخوردار شوند. طبیعتاً دولت می‌تواند در روند کمک به تحصیل دانشجویان پذیرش شده از سوی دانشگاه‌ها بر اساس طبقه اجتماعی خانواده دانشجویان وام کم‌بهره در اختیارشان قرار دهد و در صورتی که دانشجویی از وسع مالی زیادی بهره‌مند نباشد دولت می‌تواند کمک‌هزینه بورسیه در اختیارش قرار دهد

بنابراین، ما به اصول عدالت توزیعی باور داریم که به تفاوت‌های ناشی از اختلافات طبیعی و اجتماعی در جامعه توجه می‌کند و با توجه به اصل لزوم وجود رقابت در اقتصاد و جامعه، معتقدیم باید این تفاوت‌ها باید به نحوی توزیع شوند که برای اعضای آسیب‌پذیر جامعه، تا حد ممکن بهره‌وری بیشتری به دست آید. ما بر توزیع منابع و فرصت‌ها با حفظ و تعزیز آزادی و توافق مشترک بین افراد اجتماع و به‌تساوی فرصت‌ها و توزیع عادلانه منابع متمرکز می‌شویم. باین حال اقتصاد بازار آزاد به‌عنوان بهترین راه برای تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی و نقش محدود دولت در تنظیم و نظارت بر بازار از ایده‌آل‌های ماست. تضمین حقوق اساسی افراد، تشدید حاکمیت قانون و تضمین آزادی شخصیتی و اقتصادی است. اعتقاد داریم که اقتصاد بازار با استفاده از مکانیسم عرضه و تقاضا و قوانین عادلانه، به طور طبیعی و بهینه توزیع منابع و فرصت‌ها را تنظیم می‌کند

در جمهوری اسلامی ایران توزیع ناعادلانه ثروت و منابع اقتصادی، یکاری و نابرابری در سطح اشتغال در مناطق مختلف کشور، نابرابری جنسیتی و در نتیجه عدم برابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی و موفقیت در عرصه‌های مختلف، نبود حمایت کافی از اقشار آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان، معلولان و غیره یکی دیگر از چالش‌های عدالت اجتماعی در ایران است که در دسترسی به فرصت‌ها و منابع اجتماعی با محدودیت‌هایی زیادی روبرو هستند. برنامه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان در زمینه‌های اقتصاد بازار آزاد و برنامه‌های عدالت اجتماعی راهکارهای مدونی برای بهبود وضعیت رفاه و زندگی مردم را ارائه می‌دهد.

عدالت اجتماعی به طور مستقیم با شفافیت دولت و نظام سیاسی مرتبط است. شفافیت به‌ویژه در زمینه مالی و اداری، می‌تواند از فساد و سوءاستفاده‌ها جلوگیری کند. فساد می‌تواند توزیع ناعادلانه منابع را تحت تأثیر قرار دهد و به تأثیرات منفی بر عدالت اجتماعی داشته باشد. شفافیت در تخصیص و استفاده از منابع مالی و ملی به عدالت اجتماعی کمک می‌کند؛ بنابراین برای افزایش سطح عدالت اجتماعی ما نیازمند افزایش شفافیت مالی هستیم تا مانع از فساد در آذربایجان و کشور شویم. در همین راستا با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرو در این زمینه، اقداماتی برای استفاده از فناوری وب، همکاری و پذیرش نظارت بین‌المللی، تقویت قوانین و مقررات داخلی، انتشار بودجه‌ها و گزارش‌های مالی و تشویق به مشارکت عمومی در اقتصاد در برنامه‌های تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان بوده تا با افزایش شفافیت مالی از فساد جلوگیری کرده و سطح عدالت اجتماعی را با توزیع عادلانه منابع مالی در جامعه بهبود بخشید.

## حقوق اقلیت‌ها، فرد و جامعه

از دیدگاه ما دموکراسی مشارکتی در یک جامعه بدون در نظر گرفتن حقوق فردی می‌تواند منجر به دیکتاتوری اکثریت شود. قوانینی که شامل تضمین آزادی‌های فردی، حاکمیت قانون و حقوق اقلیت‌ها نباشد، منجر به دیکتاتوری توده‌ها شده و به یک توتالیتراریسم ختم می‌شود که در آن پوپولیست‌ها حکمران هستند. تنها تلفیق دموکراسی با آزادی‌های فردی است که می‌تواند حقوق جامعه و فرد را در یک توازن و تعادل آهنگ‌دار ضمانت کند. به عبارت دیگر، فقط رأی‌دهی تأمین‌کننده یک حکومت عادلانه و دموکراتیک نیست؛ حقوق فردی و گروهی نیز باید تضمین شود. در واقع، تاریخ نشان داده است که در برخی موارد، رأی‌دهی به‌تنهایی می‌تواند منجر به توسعه سیاست‌های دیکتاتوری یا حتی توتالیتراریسم شود، به‌خصوص زمانی که حقوق اساسی فردی و جمعی نادیده گرفته می‌شود.

چالش اصلی برای بسیاری از کشورها و جوامع، یافتن توازن بین حفظ حقوق فردی و

مسئولیت‌های دولت است. این توازن، فقط با ایجاد یک فرهنگ سیاسی و اجتماعی قوی می‌تواند تضمین شود که هر دو اصل حقوق بشر و دموکراسی به‌صورت کامل اجرا و رعایت شوند. زمانی که دموکراسی و حقوق بشر در یک سیستم تلفیق می‌شود ارزش‌های حقوق بشری همچون مواردی که مشمول کرامت انسانی می‌شود امکان به رأی گذاشتن نخواهند داشت. برای مثال حقوق و آزادی‌های اساسی در یک جامعه دموکراتیک به رأی عمومی گذاشته نمی‌شود. رأی دادن به حقوق بشر یا آزادی‌های اساسی ممکن است تهدیدی برای حقوق و آزادی‌های افراد باشد. حقوق و آزادی‌های اساسی با نظر اکثریت جامعه قابل تغییر نیست. حق آزادی بیان، آزادی عقیده و باور، آزادی تظاهرات و اعتراض، حق آموزش، حق حیات و حق مالکیت از جمله آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر هستند که نمی‌توان آن‌ها را به رأی عمومی گذاشت

حقوق اقلیت‌ها در جوامع دموکراتیک نیز از جمله حقوقی است که نمی‌توان به رأی عمومی و رفراندوم گذاشت. حقوق اقلیت‌ها را نمی‌توان با رأی اکثریت در یک جامعه دموکراتیک به خطر انداخت. این حقوق برای حفاظت از ارزش‌های دموکراتیک و جایگاه عالی حقوق از اهمیت حیاتی برخوردار است. آزادی‌ها و حقوق اقلیت‌های ملی و اتنیک، نژادی و جنسیتی و اقلیت‌های دینی و مذهبی جزو آزادی‌ها و حقوق اساسی به شمار می‌روند و به رفراندوم گذاشتن اینها خطر دیکتاتوری اکثریت را تقویت می‌کند. در این نوع از دموکراسی نه تنها حقوق اقلیت‌ها قابل سلب نیست بلکه بایستی سازوکارهایی برای مشارکت فعال آنها در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اندیشه و تحت تضمین قانون قرار گیرد. در جوامع دموکراتیک که تلفیقی از دموکراسی به معنای کلاسیک و حقوق بشر می‌باشد و به طور رایج جوامع دموکراتیک گفته می‌شود؛ حقوق اساسی بشر به هیچ‌عنوان نمی‌تواند مورد رأی و مورد بحث قرار بگیرد. ما به‌عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان معتقد به دموکراسی حافظ حقوق فردی جامعه بوده و به تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی با تشدید حاکمیت قانون پایبند است

همچنین از دیدگاه ما، آزادی‌های اقتصادی، فرهنگی و هنری، آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی اندیشه و نشر آن به‌طور اساسی در تقابل با ساختار و تفکر دولت‌سالاری و دولت‌حاکمیتی است.

از دیدگاه ما انسان در مرکز امور قرار دارد و افراد جامعه نه برای دولت بلکه دولت برای انسان‌هاست. این بدین معناست که حکومت و قانون اساسی آن نباید بر مبنای ایدئولوژی‌های دگماتیک تبیین گردد. حکومت تعاریفی محدود به تعهد به حاکمیت قانون، دموکراسی، حقوق اساسی، ایجاد امنیت داخلی و خارجی، ارجح قراردادن شفافیت و توسعه اقتصادی را چارچوب وجودی قرار داده و از هرگونه مشروعیت بخشی به خود با ایدئولوژی دینی - مذهبی یا هرگونه تفکرات و افسانه‌های متافیزیکی و

ایدئولوژی‌های غیر قابل‌بحث و تزلزل‌ناپذیر عاری باشد.

انسان مدرن به معنای شهروند، دولت سنتی را که بر سنگ بنای افسانه‌ها پایه‌گذاری می‌شد در طول زمان تغییر داده و حکومت‌هایی بر مرکزیت انسان و حقوق آن تأسیس کرده؛ بنابراین با تأکید بر اهمیت وجودی حکومت برای حیات و بقای ملی، معتقدیم با استفاده از قانون اساسی، اختیاراتی که منجر به مداخله‌جویی دولت در امور فردی و اجتماعی و آزادی‌های اقتصادی شهروندان می‌شود باید از حکومت گرفته شود و محدودیت‌ها و اختیارات دولت در قبال شهروندان به صورت شفاف تعیین گردد. از جمله ساده‌ترین و البته اساسی‌ترین خصوصیات حکومت محدود اصل تفکیک قواست. در صورتی که تفکیک قوا به معنای واقعی کلمه صورت پذیرد و سیستم عدلیه به صورت مستقل عمل نماید حقوق شهروندان در مقابل سایر دستگاه‌های حکومت محافظت شده و مکانیزم‌های مداخله‌جویانه و یا اقتدارگرایانه دولت حذف و محدود می‌گردد

حکومت‌های توتالیتر که جمهوری اسلامی نمونه‌ای از آنهاست تلاش دارند تا همواره باتکیه بر گفتمان اکثریتی به قوانینی که سعی دارند اجرا کنند مشروعیت دهند و اقلیت را به طور طبیعی تابع اکثریت قلمداد کنند. این تفکر که اقلیت‌ها باید تابعی از اکثریت باشند در جوامع دموکراتیک تنها در مبحث انتخابات قابل فهم است نه در مبحث حقوق. از دیدگاه ما اقلیت‌ها به‌طور کلی تمامی مجموعه‌های عقیدتی، مذهبی، زبانی، اتنیک، دینی، ملی و گرایش‌های جنسی و غیره نیز باید به طور کامل از حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند شوند و قوانین باید به نحوی تدوین شده باشند که دولت با استفاده از ابزارهای خود از جمله نیروهای پلیس حقوق اقلیت‌ها را در مقابل اکثریت جامعه محافظت کرده و ضامن حقوق همه اقشار جامعه باشد.

یک حکومت دموکراتیک باید در تمامی امور خود شفاف و پاسخگو باشد. مردم حق دارند به طور مستمر از اقدامات دستگاه‌های مختلف حکومت آگاه شوند و بتوانند آن را ارزیابی کنند. اقدامات و تصمیم‌های دولت در زمینه اقتصاد، سیاست خارجه و نحوه و شرایط فعالیت‌های دستگاه‌های مختلف در زمینه رفاه شهروندان باید در دسترس عموم قرار گیرد

حضور فعال مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و مشارکت در امور عمومی، نشان‌دهنده سطح فرهنگ دموکراسی در آن جامعه است؛ بنابراین نظارت شهروندان مسئول در قبال عملکرد دولت انتخابی نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است. برای استقرار یک دموکراسی قوی، آموزش و فرهنگ‌سازی بر اساس اصول دموکراتیک از اهمیت بالایی برخوردار است

## حقوق زنان و کودکان

برخی دیدگاه‌های عقب‌مانده سنتی به زن از جمله قائل شدن نقش خانگی برای وی، محدودیت‌های اجتماعی مانند محدودیت در برخی شغل‌ها برای زنان، تکلیف و تعهدات سنتی نسبت به زنان در خانواده و همچنین معیارهای زیبایی و نحوه رفتار کلیشه‌ای که در فرهنگ سنتی تعریف شده را شامل می‌شود. ما به‌عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان برخی دیدگاه‌های عقب‌مانده سنتی نسبت به زن را رد می‌کنیم و معتقدیم زن به‌عنوان یک انسان از آزادی اراده مساوی با مرد برخوردار بوده و هیچ نوع قانونی نباید بر اساس فرهنگ سنتی عقب‌مانده تدوین گردد. پذیرفتن آزادانه نقش سنتی توسط زن مربوط به اراده آزاد وی می‌باشد؛ ولی قوانین مرتبط با خانواده و زنان به‌هیچ‌عنوان نباید بر اساس دیدگاه سنتی باشد.

تضمین حقوق تصمیم‌گیری زنان بر بدن خود مهم‌ترین و اولین گامی است که در جهت رسیدن به برابری جنسیتی و حقوق بشری در جامعه می‌توان برداشت

بدن یک فرد و حق تصمیم‌گیری در مورد بدن خود یک حق اساسی انسان است. حق زنان برای تصمیم‌گیری در مورد بدن خود شامل تصمیمات پزشکی، حقوق مرتبط با بارداری، انتخاب‌های جنسی، انتخاب پوشش و لباس و سایر ترجیحات شخصی مرتبط با بدن خود است. این حق به زنان اجازه می‌دهد تا کنترل کامل بر بدن خود داشته باشند و زندگی خود را با اراده آزاد هدایت کنند

این حق شامل آزادی زنان برای اتخاذ تصمیمات مرتبط با سلامت می‌شود. به‌عنوان مثال، یک زن حق دارد در مورد روش‌های کنترل بارداری، برنامه‌ریزی زایمان، سقط‌جنین و غیره تصمیم‌گیری کند.

در مبحث کار و اشتغال که موضوع استقلال مالی زنان را در برمی‌گیرد باید قوانین بر اساس حقوق برابر تعریف شود. همچنین باید در موضوعاتی چون تحصیل، سفر و حق مالکیت، قوانین بر اساس اصل برابری حقوق تنظیم شود.

آموزش و فرهنگ‌سازی بایستی از مقاطع آغازین تحصیل در مدارس شروع شده و از ابتدا هر گونه مطالب درسی که مبتنی بر القای کلیشه‌های برخی سنت‌های عقب‌مانده در مورد نقش سنتی زنان می‌باشد کنترل شده و حذف گردد

ایران در صدسال اخیر در مسئله زنان به طور کل و حجاب به طور اخص دچار بحران بوده و این بحران تاکنون تداوم پیدا کرده است. مسئله حجاب به یک موضوع برای دوقطبی شدن جامعه ایران تبدیل شده است. این ضدیت و دوگانگی از زمان پهلوی اول بارویکردی اتوریتر برای مدرنیزاسیون با فرمان برداشتن اجباری حجاب از زنان به موضوعی سیاسی تبدیل گردید که تاکنون نیز این بحران سیاسی در کشور ادامه دارد.

موضوع تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به موضوع حجاب خارج از صحنه دوقطبی موجود در فضای سیاسی کشور قرار می‌گیرد. معتقدیم برای پیشبرد اهداف مدرنیزاسیون جامعه گام‌هایی اساسی و بنیادی باید برداشته شود و زمینه‌های حضور و مشارکت زنان در امور عمومی جامعه را مستحکم‌تر کرد

آموزش و افزایش آگاهی، اجرای سیاست‌های تشویقی برای ایفای نقش فعال‌تر زنان در اقتصاد، برداشتن گام‌هایی اساسی و حقوقی برای افزایش مشارکت سیاسی زنان و تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی کشور، حمایت از حقوق زنان در عرصه بین‌المللی و اجرای پروژه‌های مشترک با کشورها برای همکاری در این زمینه، تلاش برای اطمینان از اینکه رسانه‌ها و فرهنگ تصویر زنان را به شیوه‌ای مثبت و برابری طلبانه منعکس کنند، انجام اقدامات لازم برای اطمینان از قوانین برای مقابله با انواع تبعیض و خشونت علیه زنان و همچنین همکاری بین‌المللی در چارچوب پروژه‌های مشترک با کشورها در زمینه افزایش سطح کیفیت زندگی زنان از جمله برنامه‌های تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان برای فرایند طبیعی مدرنیزاسیون زنان و جامعه و تقویت جایگاه فرهنگی و اقتصادی قشر زن می‌باشد. مبارزه با خشونت علیه زنان و همچنین کودک‌همسری نیازمند برنامه استراتژیک و بلندمدت و نیازمند همکاری و همراهی دولت‌ها و جامعه مدنی است. پیشگیری و آموزش به‌عنوان اقدام اساسی توسط دولت مانند برگزاری برنامه‌های آموزشی جامع برای پیشگیری از خشونت علیه زنان و افزایش آگاهی جامعه همراه با حمایت قانونی هرگونه خشونت علیه زنان باید با مجازات‌های بازدارنده مواجه شود؛ بنابراین ترویج فرهنگی با استفاده از حمایت دولت از جامعه مدنی برای این امر و همچنین استفاده از امکانات تبلیغی دولت برای این امر مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین تشکیلات در بحث حجاب به طور اخص و در بحث زنان به طور اعم دیدگاهی غیرایدئولوژیک داشته و معتقدیم حکومت نباید با بهره‌بردن از ابزارهای نرم و سختی که در دست دارد رویکردی ایدئولوژیک نسبت به زنان اتخاذ کند؛ زیرا معتقدیم همین دیدگاه جهت‌دار موجب بحران شدید دوقطبی شدن در جامعه می‌شود.

حکومت و دستگاه‌های مرتبط از جمله قانون‌گذاری و تقویت نهادهای آموزشی و البته با همراهی جامعه مدنی می‌توان بستر مشارکت سیاسی، علمی، فرهنگی، هنری و اقتصادی زنان در توسعه کشور را افزایش داد. پررنگ‌شدن نقش زنان در مسائل اقتصادی و سیاسی و سایر زمینه‌ها فارغ از نوع پوشش آنان از اهداف اصلی ما در موضوع زنان می‌باشد.

کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه، نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند تا بتوانند در محیطی امن و سالم رشد کنند. هر کودک باید از حق آموزش با کیفیت و رایگان برخوردار باشد. آموزش باید شامل مفاهیم برابری، احترام به حقوق بشر، و حذف تبعیض‌های جنسیتی و اتمیکی باشد. حق داشتن سند هویتی بدون محدودیت‌های

جنسیتی، فرهنگی، زبانی و مذهبی از حقوق غیرقابل انکار هر کودک شهروند ایالت آذربایجان باید باشد

کودکان نباید مجبور به انجام کارهایی شوند که به رشد جسمی و روانی آنها آسیب می‌رساند. باید قوانین محکم و نظارت‌های دقیق باید برای جلوگیری از کار کودکان و بهره‌کشی اقتصادی از آنها وجود داشته باشد. دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت برای تمامی کودکان باید تضمین شود. این خدمات باید شامل مراقبت‌های پیشگیرانه، واکسیناسیون، و درمان بیماری‌های جسمی و روانی باشد. از دیدگاه ما دولت ایالتی آذربایجان باید با کمک نهادهای مردم‌نهاد در مقابل هرگونه خشونت، سوءاستفاده جسمی، روانی یا جنسی علیه کودکان مقابله و با وضع مجازات‌های بازدارنده توسط قانون‌گذاران و مشارکت جامعه مدنی برنامه‌های پیشگیری و حمایت از کودکان آسیب‌دیده را اجرا کند. کودکان همچنین در آذربایجان باید فرصت بازی و تفریح در محیط‌های امن و مناسب را داشته باشند. این فعالیت‌ها برای رشد سالم جسمی و روانی کودکان این سرمایه‌های آینده آذربایجان ضروری است

## حقوق صنفی و سندیکاها

حقوق صنفی به عنوان یکی از حقوق بنیادین کارگران، نقش اساسی در تأمین عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی ایفا می‌کند. این حقوق شامل حق ایجاد و عضویت در سندیکاها، مشارکت در مذاکرات جمعی، و دفاع از شرایط کاری است. سندیکاها مستقل به عنوان تشکل‌های واقعی نماینده کارگران، نه تنها در بهبود شرایط کاری و افزایش دستمزدها مؤثر هستند، بلکه به عنوان ابزارهای مهمی در حفظ و گسترش دموکراسی در محیط کار عمل می‌کنند

سندیکاها در جامعه آذربایجان نقش کلیدی در ترویج دموکراسی و حمایت از حقوق بشر خواند داشت. آنها با نمایندگی از کارگران در برابر کارفرمایان و نهادهای دولتی، به تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی کارگران کمک خواهند کرد. این نهادها همچنین با افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق قانونی و انسانی، تاثیر مثبتی بر شکوفایی ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری در سطح جامعه خواهند گذاشت

در حال حاضر در سایه قوانین ناعادلانه و تشکل‌های کارگری وابسته شاهد بی‌عدالتی در حق صنف کارگر هستیم؛ به طوری که تجمعات اعتراضی پیوسته و پر شمار این قشر گویای وضعیت اسف‌بار معیشتی و شرایط کار این قشر می‌باشد.

برای تضمین حقوق صنفی و سندیکاها، لازم است که قوانین ملی با استانداردهای بین‌المللی، به ویژه مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)، هماهنگ باشد. این



هماهنگی باعث می‌شود که حقوق کارگران به طور مؤثر حفظ و تقویت شود و از بهره‌کشی و تبعیض در محیط کار جلوگیری گردد

حمایت از تشکیل و توسعه سندیکاها باید یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه کار و اشتغال باشد. این حمایت شامل ارائه آموزش‌های تخصصی، مشاوره‌های حقوقی، و حمایت مالی و معنوی از سندیکاها برای انجام فعالیت‌هایشان است. همچنین، باید دستگاه قانون‌گذاری در آذربایجان با تصویب مقررات و قوانین مرتبط تضمین کند که هیچ مانعی در راه تشکیل و فعالیت سندیکاها ایجاد نخواهد شد و کارگران به ترتیب بتوانند به صورت آزادانه و بدون ترس از تبعیض و سرکوب، در این سازمان‌ها شرکت و از حقوق خود دفاع کنند

## امنیت

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان، ایالت‌ها در ایران فدرال باید صلاحیت و مسئولیت سازماندهی نیروهای انتظامی و امنیتی محلی خود را داشته باشند. ایالت‌ها باید مسئولیت تأمین منابع مالی این نیروها و تعیین سیاست‌های انتظامی و امنیت داخلی خود را بر عهده بگیرند.

دفاع از کشور در برابر تهدیدات خارجی به‌طور کامل بر عهده نیروهای مسلح فدرال می‌باشد. استفاده از نیروی نظامی فدرال برای سرکوب مردم در امور داخلی ایالت‌ها غیرقابل قبول بوده و مغایر با ارزش‌های دموکراتیک است. اصل عدم مداخله نظامی در امور داخلی ایالت‌ها باید در قانون اساسی فدرال ایران درج گردد. در صورت اخذ تصمیمات مغایر با قانون اساسی ایالت‌ها آنگونه که در ادامه ذکر خواهد شد حق هدایت ارتش ایالتی برای دفاع را محفوظ خواهند داشت

هر یک از ایالت‌ها می‌توانند نیروهای امنیتی و انتظامی خود را برای حفظ نظم عمومی و مدیریت بحران‌های داخلی سازماندهی کنند. این نیروها باید در چارچوب قوانین فدرال و با هماهنگی با دولت فدرال عمل کنند. ساختار نیروهای مسلح و انتظامی به‌صورت دو سطحی عمل خواهد کرد

نیروهای مسلح فدرال مسئولیت دفاع از کشور در برابر تهدیدات خارجی را به عهده خواهند داشت. این نیروها تحت کنترل مستقیم دولت فدرال عمل می‌کنند و از منابع و امکانات مالی فدرال بهره‌مند می‌شوند. دولت فدرال، به‌ویژه نخست‌وزیر و پارلمان، مسئولیت هدایت و استفاده از این نیروها را خواهند داشت. نیروهای مستقر در ایالت‌ها به عنوان بخشی از ارتش فدرال به حساب آمده و آموزش نظامی نظامیان تحت نظارت دولت‌های ایالتی خواهد بود. به عبارتی دیگر مجموعه ارتش‌های ایالت‌ها ارتش

فدرال را تشکیل خواهد داد. نیروهای فدرال حق دخالت در امور داخلی ایالت‌ها را نخواهند داشت، مگر در شرایط بحرانی و با درخواست رسمی مجلس و دولت آن ایالت

در بحث نیروهای انتظامی و امنیتی ایالت‌ها هر ایالت مجاز است نیروهای انتظامی و امنیتی خود را بر اساس قوانین فدرال کشور تشکیل دهد. این نیروها مسئول حفظ نظم عمومی و امنیت داخلی در محدوده مرزهای جغرافیایی ایالت خواهند بود. این نیروهای انتظامی در صورت داشتن مرز با کشورهای خارجی ایالت‌ها می‌توانند امور مربوط به امنیت مرزهای خارجی مانده گمرک و مرزبانی را نیز به عهده بگیرند.

نیروهای مسلح فدرال و نیروهای انتظامی ایالت‌ها باید در راستای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی همکاری کنند. همچنین، نظارت بر عملکرد آن‌ها باید از طریق مکانیسم‌های شفاف و مجالس ایالتی و فدرال انجام شود تا اطمینان حاصل شود که حقوق بشر و قوانین بین‌المللی و قانون اساسی در تمام شرایط رعایت می‌شود

مداخله نیروهای مسلح فدرال در امور داخلی ایالت‌ها تنها در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که نظم عمومی به شدت به خطر افتاده باشد و ایالت نتواند به تنهایی با بحران مقابله کند. حتی در این شرایط نیز مداخله باید با تأیید دولت ایالتی و در چارچوب قانون اساسی فدرال انجام شود

ارتش فدرال تحت نظارت دولت فدرال خواهد بود که این دولت نیز بر اساس سیستم پارلمانی زیر نظر پارلمان فدرال و نمایندگان ایالت‌ها قرار دارد. بنابراین، هرگونه تصمیم‌گیری مهم درباره دفاع یا عملیات‌های برون‌مرزی باید با تأیید پارلمان انجام شود

## دموکراسی تکرگرا و مشارکتی

دموکراسی شکلی از حکومت است که در آن مدیریت یک جامعه توسط نمایندگان منتخب مردم تعیین می‌شود و مشارکت سیاسی به مشارکت فعال شهروندان در فرایندهای سیاسی اشاره دارد. این مشارکت می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب سیاسی و انجمن‌ها و تجمع اعتراضی برخی از اشکال آن می‌باشد

دموکراسی و مشارکت سیاسی مفاهیمی مکمل یکدیگر هستند. کارکرد دموکراسی با مشارکت افراد در فرایندهای سیاسی تقویت می‌شود. باین حال، همه توانایی یکسانی برای مشارکت و تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی ندارند؛ بنابراین، برای عملکرد سالم دموکراسی، مهم است که همه شهروندان فارغ از ملیت، نژاد و زبان و گرایش دینی و

مذهبی، جنسیت و گرایش‌های جنسی و طبقه اجتماعی از حق برابر مشارکت سیاسی برخوردار باشند. این یکی از عناصر اساسی دموکراسی است

در برخی موارد ممکن است مشارکت سیاسی کم باشد که عملکرد دموکراسی را دشوار می‌کند و منجر به بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌شود؛ بنابراین، تشویق و حمایت از مشارکت سیاسی در یک جامعه دموکراتیک مهم است. در جامعه‌ای که بخش‌هایی از آن به حاشیه رانده شده، به رسمیت شناخته نشده و هویتشان انکار گردد می‌تواند منجر به کاهش مشارکت سیاسی و در نتیجه کاهش راندمان عملکرد دموکراسی شود. در نتیجه با ضعیف شدن سیستم دموکراتیک ناعدالتی و تبعیض‌ها نیز افزایش یافته و جامعه دچار نارضایتی‌ها اختلافات و کاهش تساهل خواهد شد

کشورهای کثیرالمله برای رسیدن به یک جامعه دموکراتیک باید گروه‌های مختلف فرهنگی و زبانی را به رسمیت بشناسند و از مشارکت آنها در فرایندهای سیاسی حمایت کنند. به این ترتیب می‌تواند گفت بین پذیرش کثرت ملی و اتنیکی رابطه مستقیمی با تقویت دموکراسی وجود دارد. پذیرفتن و به رسمیت شناختن ملت‌ها در ایران در گام نخست و فراهم شدن زمینه برای ظهور و فعالیت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و احزاب سیاسی در گام بعدی که نقش مهمی در ترویج دموکراسی و افزایش مشارکت سیاسی دارند در این راستا برداشته شود. حق تحزب برای ملل تحت ستم با حفظ ویژگی‌های فرهنگی جامعه مربوط می‌تواند به مردم کمک کند تا صدای آنها در فضای سیاسی کشور شنیده شود و در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند.

همان‌طور که ذکر گردید رابطه تنگاتنگی بین افزایش سطح دموکراسی و مشارکت سیاسی و پذیرش تنوع فرهنگی در ایران و به‌طور کلی در تمام کشورهای کثیرالمله وجود دارد. در یک جامعه چندفرهنگی و چندزبانه، حفظ حقوق فرهنگی و زبانی یک نیاز اساسی برای عملکرد سالم دموکراسی است. بدون آزادی و به رسمیت شناختن فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف در یک کشور چندفرهنگی آمال جامعه دموکراتیک غیرممکن می‌باشد.

در یک دموکراسی تکررگرا و مشارکتی دیکتاتوری اکثریت با راهکارهای قانونی منع می‌شود، حقوق تمامی اجزا و اقلیتها با ابزارهای قانونی تامین می‌شود و مشارکت تمام اجزا و اقلیتها تحت تضمینهای قانونی قرار می‌گیرد. دموکراسی که جوابگوی ساختار متکثر کشور ایران است چنین نوعی از دموکراسی است.

## آموزش

از دیدگاه تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان آموزش به‌عنوان یک حق اساسی برای هر فرد در تحقق توانایی‌های خود از اهمیت به‌خصوصی برخوردار است. تضمین فرصت‌های برابر در آموزش و تحصیلات متناسب با نیازهای خود متناسب با استعدادهای افراد یک اصل حقوق بشری برای شهروندان می‌باشد. فراهم کردن محیطی حمایتی و فرصت برابر از سنین پایین برای دانش‌آموزان نه‌تنها از لحاظ حقوق هر شهروند در زمینه حفظ کرامت انسانی ضروری است، بلکه بنیان یک جامعه پیشرو، خلاق و روبه‌رشد و ترقی را نیز بنا می‌نهد

یک سیستم آموزشی نوین، رویکردهای آموزشی نوآورانه و انعطاف‌پذیری را اتخاذ می‌کند و از دیکته کردن برخی آموزه‌ها و علوم بر دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. می‌توان مدل‌های آموزشی متنوع را متناسب با سبک‌ها و نیازهای مختلف یادگیری دانش‌آموزان تطبیق کرد. برای مثال، در سیستم آموزشی آینده حکومت ایالتی آذربایجان می‌توان روش یادگیری دانش‌آموز محور و مبتنی بر آزمون و خطا را اتخاذ کرد تا توانایی تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان تقویت گردد

کیفیت آموزش در هر سیستم آموزشی وابستگی عمیقی به معلمان دارد. سیاست‌های سیستم آموزشی باید دارای رویکردی مبتنی بر پیشرفت و آموزش مستمر معلمان باشد. به عبارتی آموزش مستمر برای معلمان و دانش‌آموزان توأمان باشد. از این روی لازم است که شرایط کاری و شغلی و رفاه معلمان می‌تواند برای ارتقای مهارت‌های معلمان و افزایش انگیزه آنها بسیار مؤثر باشد. در صورتی که شرایط رفاهی و پیشرفت شغلی برای معلمان افقی روشن برایشان در برداشته باشد انتظار رشد و توسعه از سیستم آموزشی کشور بی‌فایده است

سیستم‌های آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته با استفاده مؤثر از فناوری، آموزش مؤثرتری را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند. تشکیلات از سیاست‌هایی حمایت می‌کند که دانش دیجیتال دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد و دسترسی آنها به اطلاعات را با استفاده از فناوری در آموزش افزایش می‌دهد

همچنین در دنیایی که تنوع و چندفرهنگی روزافزون وجود دارد، نظام آموزشی باید از تنوع فرهنگی و زبانی حمایت کند. تشکیلات با سیاست‌های ترویج محیط‌های آموزشی چندفرهنگی و آموزش احترام به تفاوت‌های فرهنگی به دانش‌آموزان، هماهنگی و هم‌زیستی اجتماعی را دنبال می‌کند. از دیدگاه تشکیلات، یک سیستم آموزشی سراسری در کشوری کثیرالمله مانند ایران نقض صریح و آشکار حقوق بشر و ظلم به کودکان می‌باشد. حکومت‌های ایالتی در جمهوری فدرال ایران بایستی بر اساس زبان، فرهنگ و شیوه زندگی جوامع خود اختیارات تدوین کتاب‌های درسی و

سیستم آموزشی خود را با هماهنگی دولت جمهوری فدرال داشته باشند

## آزادی اطلاعات و رسانه‌ها

آزادی گردش اطلاعات مفهومی مبتنی بر حقوق افراد برای دسترسی، تولید، اشتراک‌گذاری و انتقال اطلاعات است. بحث آزادی گردش اطلاعات به معنای مدرن در قرن هجدهم تحت تأثیر عصر روشنگری آغاز شد. متفکران دوره روشنگری بر اهمیت آزادی اندیشه و بیان افراد به‌عنوان نوعی اشتراک‌گذاری و اشاعه آزاد اطلاعات تأکید می‌شد. از آغاز قرن بیستم، آزادی گردش اطلاعات در زمینه وسیع‌تری مورد توجه قرار گرفت. به‌ویژه در دوره پس از جنگ جهانی دوم، آزادی اطلاعات در اسناد حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت

در دهه‌های اخیر با گسترش اینترنت و توسعه فناوری‌های ارتباطی دیجیتال، مفهوم آزادی گردش اطلاعات اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اینترنت با ایجاد امکان اشتراک‌گذاری و دسترسی سریع به اطلاعات، آزادی دسترسی افراد به اطلاعات و آزادی بیان را تقویت کرده است

امروزه آزادی گردش اطلاعات یکی از ارکان یک جامعه دموکراتیک محسوب می‌شود. به‌طوری‌که اقداماتی برای تسهیل دسترسی به اطلاعات و جلوگیری از سانسور در جوامع دموکراتیک صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا وسایل ارتباطی چون تلویزیون‌های ماهواره‌ای، دستگاه‌های ویدئو، پلتفرم‌های شبکه اجتماعی و به‌طور کلی با اینترنت به‌عنوان فناوری ارتباطی سریع را تهدیدی برای خود دانسته و تا حد امکان دست به ممنوعیت سانسور و فیلتر زده تا دسترسی به وسایل ارتباطی بین شهروندان را با مشکلاتی مواجه کند

به‌طور کلی رژیم‌های توتالیتر تمایل شدیدی به کنترل گردش اطلاعات دارند به همین دلیل تلویزیون و رادیو و مطبوعات تماماً در انحصار قدرت می‌باشد. لیکن خصوصیت کاربرمحوری اینترنت و علی‌الخصوص پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی از سویی و جهانی بودن این پلتفرم‌ها موجب شده تا تلاش‌ها برای به انحصار درآوردن این سیستم گردش اطلاعات آزاد برای جمهوری اسلامی ایران مقدر نشود. از این‌رو چاره را در سانسور و فیلتر کردن و نظارت بر محتواهای منتشر شده در این پلتفرم‌ها می‌بیند

روند بسیار سریع و روبه‌رشد فناوری اطلاعات و دیجیتالی شدن در عصر جهانی شدن در آینده امکان به انحصار درآوردن دستگاه‌های ارتباطی را بی‌معنی و بی‌فایده کرده است. کاربرمحور بودن شبکه‌های اجتماعی و اینترنت باعث شنیده شدن صدای اقشار مختلف جامعه نیز می‌شود. عصر اینترنت و امکان نشر اطلاعات با کمترین هزینه به

ملل غیرفارس در ایران امکان انتشار صدای آزادی خواهانه و عدالت طلبانه فعالین و مبارزین سیاسی و فرهنگی را فراهم کرد. ملل غیرفارس در ایران که مورد هدف تبعیض مضاعف قرار دارند نه تنها از آزادی بیان برای اعتراض و انتقاد علیه حکومت محروم هستند؛ بلکه همچنین به دلیل انحصار رسانه برای یک فرهنگ مشخص در ایران امکان استفاده از دستگاه‌های ارتباطی برای اشاعه فرهنگ و زبان خود را نیز ندارند؛ بنابراین عصر اینترنت تا حدودی شرایط را برای رساندن صدای خود هر چند محدود برای ملل غیرفارس و البته سایر اقشار به حاشیه رانده شده از جمله زنان، کارگران و اقلیت‌های جنسی و غیره نیز شد.

از سویی دیگر نظام‌های دموکراتیک و اهمه‌ای از گردش آزاد اطلاعات ندارند و علی‌هذا آن را هم تشویق می‌کنند. در کشورهای دموکراتیک رادیو و تلویزیون در انحصار قدرت سیاسی نبوده و شبکه‌های تلویزیون و رادیوی خصوصی و متعلق به احزاب سیاسی دیگر نیز می‌توانند فعالیت کنند. برای حمایت از آزادی رسانه‌ها، سازمان‌های رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران باید از استقلال و آزادی بیان برخوردار باشند. استقلال سازمان‌های رسانه‌ای از سانسور و فشار تضمین می‌کند که جامعه می‌تواند آزادانه به دیدگاه‌ها و اطلاعات مختلف و متنوع دسترسی داشته باشد.

اولین گام برای تحقق گردش آزاد اطلاعات در کشور تأمین آزادی بیان و تأمین آزادی بعد از بیان است. از طریق اصلاحات قانونی، افراد باید بتوانند نظرات خود را آزادانه بیان کنند و اهمه‌ای عواقب بیان افکار خود در رسانه‌ها نداشته باشند. در گام دوم بایستی موانع سانسور و فیلتر و ممیزی برداشته شود تا افراد بتوانند آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته باشند و نظرات خود را آزادانه نشر دهند. اینترنت به‌عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین رسانه در حال حاضر و به احتمال زیاد رسانه پرمخاطب آینده در جهان، باید دسترسی به آن تقویت و علاوه بر این، بهبود زیرساخت و سرعت اینترنت نیز در دستور کار جمهوری فدرال ایران قرار گیرد.

## اقلیت‌های جنسی

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان معتقد به حقوق اقلیت‌های جنسی و تضمین برابری آنها در آینده پسا جمهوری اسلامی است. ما معتقدیم که هر فردی و برای گرایش جنسی و هویت جنسی حق دارد آزادانه زندگی کند، بدون اینکه مورد تبعیض قرار گیرد. قوانین مبتنی بر اصول و مبانی حقوق بشر نباید به نفع اکثریت تدوین شود و سازوکاری برای تضمین حقوق تمامی اقلیتها، از جمله اقلیت‌های جنسی باید تعیین شود.

اقلیت‌های جنسی حق دارند از حقوق و فرصت‌های برابر مانند سایر شهروندان از

جمله حق فرصت برابر برای داشتن شغل دلخواه برخوردار باشند. آنها باید در یک جامعه عادلانه و برابر، بدون تبعیض به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسی، زندگی کنند. یکی از راه‌های اصولی برای بهبود وضعیت زندگی اقلیت‌های جنسی همکاری با جامعه بین‌المللی در این زمینه می‌باشد. پیوستن به کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق اقلیت‌ها جنسی منجر به اجرای نورم‌ها و استانداردهای جهانی در مورد حقوق اقلیت‌ها شده اقدامی اساسی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در کشور می‌باشد.

به دنبال پیوستن حکومت ایالتی آذربایجان و جمهوری فدرال ایران به این کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با حقوق اقلیت‌های جنسی زمینه حقوقی برای پذیرش قوانین مشابه در مجالس حکومت ایالتی آذربایجان جنوبی و جمهوری فدرال ایران فراهم می‌شود.

تمایلات و هویت جنسی افراد دگرباش جنسی در کشور به رسمیت شناخته نشده است. قوانین اغلب مبتنی بر هنجارهای دگر جنس‌گرا هستند و دگرباشان جنسی انکار می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران قوانین سخت‌گیرانه جزایی و کیفری در رابطه با گرایش جنسی و هویت جنسی افراد اجرا می‌کند که منجر به مجازات‌های جدی می‌شود. در آذربایجان جنوبی و به‌طور کلی در جمهوری فدرال ایران باید اصلاحات قانونی برای حمایت از حقوق این طیف انجام شود. علاوه بر مکانیسم‌های قانونی مؤثر، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش مهمی برای افزایش آگاهی اجتماعی و دفاع از حقوق دگرباشان جنسی خواهند داشت.

## حقوق حیوانات

افزایش آگاهی و حساسیت جامعه در برابر حقوق حیوانات برای توسعه و پیشرفت اجتماعی از اهمیت برخوردار است. نگرش حساس‌تر و مسئولانه‌تر جامعه نسبت به حیوانات به شکل‌گیری جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر کمک می‌کند. حیات سالم حیوانات ارتباط مستقیمی با سلامت و سطح زندگی انسان دارد. بدرفتاری یا بی‌توجهی به حیوانات می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی افراد جامعه تأثیر منفی بگذارد.

سوء تغذیه، جراحات یا بیماری‌ها می‌تواند بر سلامت حیوانات و لگردد تأثیر منفی بگذارد. این وضعیت می‌تواند به یک مشکل بهداشت عمومی تبدیل شود.

بدرفتاری با حیوانات و لگردد و یا سوء تغذیه آنها می‌تواند به آلودگی محیط‌زیست منجر شود. به‌عنوان مثال تغذیه آنها از زباله باعث آلودگی محیط‌زیست شده و همچنین ممکن است خطری برای سلامت محیط و انسان‌ها ایجاد کنند.

حیواناتی که مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند یا مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، می‌توانند باعث تعامل نامطلوب با انسان شوند. این حیوانات می‌توانند خوی تهاجمی گرفته به

مردم آسیب برسانند و امنیت عمومی را به خطر بیندازند

تکثیر کنترل نشده حیوانات و لگرد می تواند منجر به مشکلات کنترل جمعیت آنها شده و بر سلامت محیط تأثیر منفی بگذارد و به یک معضل اجتماعی در شهرها نیز تبدیل شود

بنابراین، حقوق حیوانات و حمایت از حقوق حیوانات و تأمین زندگی سالم برای حیوانات نه تنها برای حیات بدون رنج حیوانات بلکه برای رفاه عمومی جامعه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است

آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد حقوق حیوانات موجب افزایش حس مسئولیت و حساسیت مردم نسبت به حیوانات شده و به شکل‌گیری جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر کمک می‌کند

علاوه بر مسائل مربوط به سلامت و اکوسیستم، بدرفتاری با حیوانات خلاف ارزش‌های اخلاقی جامعه ما است و از سوی دیگر رعایت حقوق حیوانات موجب تقویت بنیان‌های اخلاقی و افزایش حس شفقت و کمک‌کردن در بین افراد جامعه می‌شود





سند راهبردی  
تشکيلات مقاومت ملی آذربايجان

••• ويرایش دوم •••



[www.diranish.com](http://www.diranish.com)

[www.araznews.org](http://www.araznews.org)